

شرایط انقلابی و آلترناتیو کمونیستی (۲)

تقابل نیروهای سه گانه در میدان درگیری

همانطور که در روزها آغازین جزئیات وقایع را توضیح دادیم، در صبح شنبه 23 خرداد، موسوی در اولین پیام خود پس از اعلام نتایج انتخابات و پیروزی احمدی نژاد، همراه با اعلام نپذیرفتن این نتایج، از هواداران خود خواست تا از «اقدامات کور» در اعتراض به تقلب و کودتا خودداری کنند. اما جوانان برخی از محلات و دو دانشگاه شریف و تهران به این درخواست وضعی ننهاده و راه خیابان را پیش گرفتند. تنها، پس از تبدیل شدن این دسته ها به اعتراضات هزاران نفره در میدان های ونک، ولیعصر و هفت حوض بود که دستور شرکت برای کنترل اعتراضات به جوانان گرداننده ستادهای انتخاباتی مخابره شد. و ایشان نیز جمعیت را به سمت مرکز انتخابات موسوی و دفتر روزنامه اعتماد ملی راهنمایی کرده و سران اصلاحات با حضور در میان مردم سعی در آرام کردن ایشان کردند. پس می بنیم که آغاز مبارزات خیابانی توسط گریزه انقلابی توده های جوان شکل گرفت، اما نیروهای اصلاحات اجبارا به دنبال ایشان وارد صحنه اعتراضات خیابانی گشتند تا این مبارزات را به مجرای کنترل خود بر گردانند. نیروهای ارتجاع نیز که هنوز از حدت شرایط آگاه نشده بودند و دستور سرکوب مسلحانه این اعتراضات را نداشتند، تنها با کتک و باطوم به این جمع ها حمله ور می شدند، که البته در روحیه انقلابی جوانان تأثیر عکس داشت. جوانان معترض در همانجا قرار گذاشتند تا فردای آنروز، یکشنبه 24 خرداد، در ساعت 5 بعداز ظهر، در میدان ولیعصر تجمع کنند.

نیروهای ارتجاع در میدان های سه گانه و دو مرکز اصلاح طلبان مستقر شدند و با این باور که اصلاح طلبان چنین اعتراضی را سازمان داده اند، بازداشت های شبانه ی سران اصلاح طلب و فعالان ستادها را آغاز کردند. اما بزودی متوجه خودبخودی بودن اعتراضات شده و کسانی را که متعهد به آرام کردن توده ها شده بودند، آزاد کردند. همچنین، برای نشان دادن پایه های «وسیع» خود، با تبلیغات گسترده در صدا و سیما و پرداخت میلیاردها تومان به طرفداران خود و اجبار کارمندان و کارگران برخی از نهادهای حکومتی، چند هزار نفری را با حفاظت نیروهای انتظامی و بسیج، در تقابل با برنامه تجمع جوانان، در ساعت 4 بعدازظهر، به میدان ولیعصر کشاندند. این برنامه بصورت گسترده در صدا و سیما پخش شد و در همین تجمع بود که سخنرانی معروف به «خس و خاشاک» احمدی نژاد ایراد گشت. اما جوانان معترض نیز با خونسردی هر چه تمامتر، با کمی فاصله از تجمع میدان ولیعصر، و از خیابان تخت طاووس تا خیابان و میدان فاطمی و عباس آباد جمعیتی به مراتب وسیع تر از کودتاچیان را شکل دادند و در همانجا تبلیغ کردند که موسوی و کروبی در فردای آنروز، دوشنبه 25 خرداد، مردم را برای تجمعی وسیعتر به میدان توپخانه فرا خوانده اند.

فردای آن روز، صدا و سیما عدم صدور مجوز برای تجمع توپخانه را اعلام نمود و تهدید فرمانده نیروهای انتظامی را با شرکت کنندگان در این تجمع «غیر قانونی» پخش کرد. بنابراین، موسوی، که شب قبل از آن موفق به دیدار با خامنه ای شده بود و قول رسیدگی به شکایاتش را از وی گرفته بود، اعلام کرد که به دلیل عدم صدور مجوز، این راهپیمایی انجام نخواهد پذیرفت. خانم زهرا رهنورد هم به دانشگاه تهران رفت تا پیام موسوی را به دانشجویان برساند. اما، پاسخ خود را با شعارهای «مرگ بر سازشکار» گرفت. سخنگویان دانشجویان نیز در بیانات خود به مسئولان انجمن اسلامی تذکر دادند که اعتراضات ایشان هدف مبارزه با دیکتاتوری و ضد کودتایی دارد و حاضر نیستند به قوانین کودتاچیان تمکین کنند. ایشان اعلام نمودند که تظاهرات پابرجاست و مطمئن هستند که مردم نیز از ایشان حمایت خواهند کرد. فقط یک ساعت به برپایی تظاهرات مانده بود که موسوی و کروبی اعلام داشتند تا برای حفظ آرامش معترضین، در تجمع میدان توپخانه شرکت خواهند کرد. تجمع و تظاهرات میلیونی آن روز و میدان هفت تیر، بسیار تعیین کننده و مهم بود. بارز ترین نکته این بود که با حضور میلیونی مردم از تمامی اقشار شهری نشان داده شد که اعتراضات مردمی بسیار عمیق تر از احساسات جریحه دار شده ی دسته های جوانان است و از سنگینی باری که دانشجویان و جوانان برای روشن نگاه داشتن آتش مبارزات، تا آن روز احساس می کردند کاست. نکته مهم بعدی این بود که قدرت ساطع شده از اجتماع چند میلیونی، انرژی پیشبرد مبارزات را مضاعف کرده و روحیه انقلابی را در مردم تقویت نمود. اما، در عین حال، با حضور زیرکانه ی موسوی و کروبی در این تجمع و اعلام تاکتیک «سکوت» و استراتژی «انقلاب سبز»، خط مشی اصلاح طلبان را برای چند روز، به کل جنبش تحمیل کرد. این خط مشی با تسلط کامل تا روز جمعه 29



شماره ششم، سال اول،

هفدهم تیر ۱۳۸۸

در این شماره می خوانید

سرمقاله:

شرایط انقلابی و آلترناتیو کمونیستی (۲)

خبرهای کوتاه:

گزیده ای از اخبار مبارزات مردمی در

چند روز گذشته

گزارشات و تحلیل ها:

* پیشنهادی به مبارزین راه آزادی

* ما با خشونت مخالفیم اما مقاومت

می کنیم

* این یک ماجرای واقعی است

* بنگاه خیریه ماموت و اعانه ای که به

دست مبارک اداره کار کرج، زندگی

کارگران را زیر و رو می کند

* به روز کردن شورش یونان

گفتگوی نیکوس راپنیس و کریس اسپانوس
ترجمه از سهوند شایان

“بسوی انقلاب”

را بخوانید و در میان مردم پخش

کنید!

سر مقاله

خرداد ادامه داشت. پس تا آنجا می بینیم که آتش تجمعات توسط انرژی انقلابی غریزی مردم روشن نگاه داشته می شد، و هر بار که نیروهای اصلاح طلب می خواستند میدان را خالی کنند، نیروی انقلابی با ابتکار عمل خود، آنها را مجبور به ادامه راه می کرد. اما خط مشی و شعارهای مسلط بر تجمعات اصلاح طلبانه بود. از طرف دیگر، نیروهای ارتجاع نیز به حدت و حساسیت شرایط مبارزه طبقاتی آگاه گشته و متوجه شدند که اگر به سرکوب مسلحانه ی این جنبش نپردازند، بزودی غیر قابل کنترل خواهد شد. پس تصمیم به رو کردن برگ آخر گرفته و به بهانه ی امامت نماز جمعه خامنه ای، تمامی نیروهای خود را به تهران خوانده و متمرکز ساختند. خامنه ای نیز با تکیه به نیروهای سرکوبگر حاضر اولتیماتوم خود به جنبش و مجوز کشت و کشتار مردم را به نیروهای مسلح صادر نمود.

از روز شنبه 30 خرداد، «استراتژی سبز» و «تاکتیک سکوت» بیرون انداخته شد و نیروهای انقلاب و ارتجاع در مقابل یکدیگر صف آرایی کرده و به مقابله پرداختند. اصلاح طلبان نیز میدان را خالی کرده و مردم را در مقابل گلوله ها تنها گذاشتند. درگیری ها بصورت روزمره جلو می رفت و انرژی و سازماندهی خود را از محلات می گرفت. با هر برخورد و بازداشت های روزانه، این انرژی و سازماندهی و تعداد شرکت کنندگان تحلیل می رفت. تنها حضور طبقاتی کارگران و اعتصاب در صنایع کلیدی می توانست این انرژی و نیروی انقلابی را تغذیه و تکمیل کند. اما تا به امروز (هفدهم تیر ماه) اثری از آن نیست.

این جوانان کارگر و فرزندان ایشان هستند که در میدان ها به مصاف با ارتجاع می روند، اما ایشان در صحن کارخانه ها دارای اعتبار و نفوذ کافی نیستند تا بتوانند روحیه انقلابی را در آنجا غالب سازند. اگر اعتصابات کارگران بزودی آغاز نشود، شرایط به نفع ارتجاع تغییر خواهد کرد و در صورت سازش ناگزیر اصلاح طلبان حکومتی با نیروهای ارتجاعي در مقابل انقلاب، امکان تسلط مقطعی ارتجاع و پایان موقتی شرایط انقلابی دور از تصور نیست.

شرایط کنونی و صف بندی های بورژوازی «چپ»

با کنار کشیدن اصلاح طلبان حکومتی از اعتراضات و توافق ضمنی ایشان با نتایج انتخابات در آخرین بیانیه هایشان، عدم سازماندهی و حضور ستاد رهبری کننده ی آگاه و موثر انقلابی ای که بتواند نیروهای انقلاب را با هماهنگی هر چه تمامتر، از یک تاکتیک به تاکتیک های متنوع دیگری رهنمون سازد، برجسته تر شده است. بخصوص عدم موجودیت حزب طبقه کارگری که امکان حضور مستقل طبقاتی کارگران در جهت پیشبرد برنامه ی سیاسی و اهداف استراتژیک آن، نه تنها در جهت تقویت و بسط توانایی های انقلابی مردم، بلکه رهبری کردن و کانالیزه کردن این مبارزات به سمت انهدام ماشین حکومت بورژوازی و استقرار حکومت شوراهای را مهیا ساخته و پیش ببرد، کاملاً مشهود است. اما مدعیان سوسیالیسم علمی و «پیشروان طبقه کارگر» مشغول چه کاری اند؟

«حزب حکمتسیت» نزدیکترین جریان به «مارکسیست های علنی» بود. ایشان نیز با ندیده انگاشتن جریان انقلابی در این مبارزات و اتخاذ تاکتیک «خلاف جریان» در موضع ضد انقلابی قرار گرفتند و عملاً همان توصیه ی رییس دانا را تکرار میکردند. که نشان دادیم در عمل باعث می شد تا جناح احمدی نژاد بدون هیچ مزاحمتی برنامه های کودتایی و ارتجاعي خود را پیش ببرد. (1)

در طرف مقابل ایشان، فرمیست های طرفدار «موسوی» قرار داشتند. یعنی «حزب توده»، «چریکهای اکثریت» و «راه کارگری ها» و ... که بار دیگر نشان دادند به مراتب از قشر پیشروی مردمی عقب مانده ترند. در هفته ی دوم که صحنه خالی از اصلاح طلبان شد و تقابل مستقیم بین انقلابیون و دولت کودتا در گرفت، ایشان به مردم در صحنه توصیه میکردند که در عوض شعار «مرگ بر خامنه ای» و «مرگ بر جمهوری اسلامی»، شعارهای اصلاح طلبانه ی دفاع از «پروژه موسوی» در انتخابات و «رأی من کجاست؟» را بدهند. (2)

عده ای هم به اینکه جریان چپست و چه باید کرد علاقه ای نداشتند و فقط می دیدند که در این گیر و دار و شلوغی قرار نیست چیزی نصیب شان شود، و در گذشته نیز با همین منظور، همواره به دنبال رویزونیست ها و حتی عناصر ضد کمونیست سالیاریتی سنتز می دویدند. آنها شعار «اتحاد چپ، بدون در نظر گرفتن استراتژی و تاکتیک» را مطرح نمودند. (3) ایشان آنقدر نگران جای خود بر سر سفره بودند که وقت نگاه کردن مختصرانه ای را هم به «چپ» نداشتند که ببینند با سمتگیری های متناقض به این یا آن جناح بورژوازی، این جریان ها، در حال دعوا هستند و اتفاقاً دعوایشان هم بر سر جایشان بر سر «سفره» است و تنها زمانی می شود ایشان را در کنار هم نشانند که هر دو جناح از هیئت حاکمه در مقابله با انقلاب، به موضع مشترکی برسند. در چنان زمانی هم دیگر نیازی به «چپ» ها ندارند.

البته تنوع مواضع بورژوازی «چپ» پاندازه تنوع در منافع بورژوازی «راست» است و به جریان های بالا خلاصه نمی شود. همانطور که در لیبرال های راست، جناح رادیکالی وجود دارد که تنها با «تغییر رژیم» می تواند صاحب قدرت شود، اما از «انقلاب» گریزان است، در بورژوازی «چپ» نیز گروه هایی وجود دارند که بنابر شکل ایدئولوژیکی که اتخاذ کرده اند، مفهوم «انقلاب» را مورد حمله قرار داده و تا سطح «تغییر رژیم» پائین می آورند. در شماره آینده مواضع «لیبرال رادیکال های چپ» را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

ادامه دارد

یادداشت ها:

1. تحولات سیاسی کنونی و تراژدی در جریان - مصاحبه پرتو با کوروش مدرسی
2. آذرخشی بر سینه آسمان - تقی روزبه
3. پیش به سوی تقابل هژمونیک طرح یک استراتژی مشترک چپ برای جنگ طبقاتی - آذر ادیبی، مجید ارزنگ، فریبرز افشار، شهرام بجفی، فیروزه بهادرزاده، هدی پویا، محسن خوش بین، شمیلا زارعی، بهمن شفیق، وحید صمدی، سارا طاهری، پویان فرد، عباس فرد، سیاوش محمودی، پویان وفائی

اخبار کوتاه

اراده مردم باعث قطع برق شد

طبق خبرهای رسیده از گوشه و کنار، دیشب، اراده متحد مردم توانست برق های شهرهایی از کشور را قطع کند. یادآوری می شود که چند روز قبل، همسر یکی از مهندسين شرکت برق توانیر پیشنهاد داد تا مردم در ساعت مشخصی کلیه وسایل برقی خود را همزمان روشن سازند و بدینوسیله ظرفیت شبکه برق رسانی سراسری را دچار اختلال سازند. با پشتیبانی تعداد زیادی از هموطنان بالاخره دیشب، بین ساعات 9 شب تا 9:30 دقیقه، باعث قطع برق در شرق تهران، ساری، تبریز، اصفهان، رودهن، سقز، لواسان، اهواز، خرمشهر، دزفول و جهرم شد. این نمایش نشان می دهد که در صورت اراده و اقدام مشترک مردمی هیچ مانع اجتماعی ای قادر به مقاومت در مقابل اراده و قدرت مردم نیست.

بخش شبنامه «اعتصاب عمومی» در بندر عباس خب ما هم به عنوان یه شهرستانی حداقل کاری رو که میتونستیم انجام دادیم و در نقاط مختلف شهر این اعلامیه هارو به دیوار چسبونیدیم. البته تعداد اعلامیه ها از تعداد عکسها بیشتر هست ولی متاسفانه بعضی هاشون رو قبل از اینکه عکس بگیریم کندن یا مخدوش کردن و بعضی هارو هم به علت شلوغی اون منطقه نتونستیم عکس بگیریم. خلاصه بدونید ما هم بیکار ننشستیم! (به علت پائین نگاه داشتن هزینه چاپ از انتشار عکس ها خودداری کردیم)

اعتراض دانشجویان دانشگاه نجف آباد اصفهان به دولت کودتا هزاران نفر از دانشجویان دانشگاه نجف آباد افهان با شعارهای «مرگ بر دکتاتور» و «مرگ بر ان دولت مردم فرب» در خنرانی کی از عوامل دولت کودتا شرکت کردند. هر جمله ای که از زبان ان مزدور در مدح احمد نژاد و خامنه ای و دولت کودتا برون آمد با فرادها «دروغه، دروغه، ...»، «سبب زمینی ارزونی تون، رأی نمیدیم بهتون» مواجه م شد. مزدور دولت کودتا که شرایط را برای خودش نا امن تشخیص داده بود، مجبور به ترک محل شد. سپس دانشجویان با خروج جمعی و متشکل خود از آمف تئاتر در صحن دانشگاه اقدام به راهپیمای کرده و همراه با شعارهای دگر فراد م زدند که «دولت 50 تومن نم خوام، نم خوام»

ادامه اعتراضات گسترده شبانه مردم تهران باعث یاس و نا امیدي سرکوبگران

بنابه گزارشات رسیده از تهران، مردم تهران امشب همانند شبهای دیگر بر بام خانه های خود حاضر شدند و فریادهای اعتراض آمیز خود را بر علیه مستبدین حاکم گسترده تر سر دادند.

افراد شرکت کننده در این اعتراضات از سنين مختلف می باشند از زنان و مردان مسن تا دختران و پسران جوان و کودکان هستند. اعتراضات مردم حوالی ساعت 22:00 بر بام خانه های آغاز می شود. آنها با فریادهای رسای خود بر علیه ظلم وستم حاکم و شبهای تاریک استبداد می شورند. فضای تهران آکنده از بانک الله اکبر و فریاد مرگ بر دیکتاتور است این فریادها در هر کوی و محله شنیده می شد. فریادهای پی در پی اعتراضات مردم لرزه بر اندام مستبدین می اندازد. حتی کسانی که سوار بروسائل نقلیه خود هستند در خیابانها فریادهای اعتراض آمیز سر میدهند. فریادهای اعتراضات مردم تهران تا ساعت 22:30 ادامه یافت.

نیروهای سرکوبگر که در پایگاههای بسیج و مساجد محل مسقر هستند از شدت یورشهای آنها به منازل و اموال مردم کاسته شده است و حالتی از یاس و انفعال بر آنها حاکم شده است. قدرت واکنش از آنها سلب شده است و مقهور اراده مردم شده اند.

کوی دانشگاه تهران را از جمعه (۱۲ تیر) بسته اند. اگرچه این کوی را هر سال در آستانه ی روز دانشجو (۱۸ تیر) می بندند، اما فعالان دانشجویی اقدام امسال مسئولان را نشانه ی نگرانی آنان از اوج گیری اعتراضات دانشجویی می دانند.

شرکت هواداران موسوي در تظاهرات 18 تير:

آخرین خبرهای دریافتی حکایت از استقبال هواداران موسوي از تظاهرات های اعلام شده ی 18 تیر دارد. این خبرها حاکیست که «جنبش سبز» با انتشار دستوالعمل های مخصوص، هواداران خود را به شرکت در این مراسم فرا خوانده است.

از اس ام اس خبری نیست!

از ایران خبر می رسد که مردم در اقدامی هماهنگ ولی خودجوش و بدون برنامه ریزی، به رغم راه افتادن مجدد خدمات اس ام اس، از ارسال پیامک خودداری می کنند. بر اساس گزارش های رسیده این اقدام اعتراضی به حکومت برای قطع اس ام اس ها و در پی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری است. بر اساس آمار های اعلام شده، ایرانیان تا پیش از این یکی از بیشترین کاربران این نوع خدمات ارتباطی در جهان محسوب می شدند.

دعوت به تظاهرات 18 تیر

براساس فراخوان عمومی قرار است روز پنج شنبه تجمع وگرد همایی از سوی نیروهای مخالف حکومت در تهران بصورت گسترده برگزار شود. هم زمان با سالروز 18 تیرماه از سوی گروه های مختلف فراخوان هایی جهت برپایی تجمع اعتراضی نسبت به عملکرد نیروهای امنیتی رژیم در روزهای گذشته وگرامی داشت 18 تیرماه در تهران برگزار شود. هنوز جزئیات دقیق این برنامه جهت ممانعت از برخورد ها و تدابیر نیروهای امنیتی اعلام نشده است. اما این تجمع قرار است روز پنج شنبه از ساعت 3 بعد از ظهر به بعد برگزار شود. مکان های احتمالی این تجمع بهشت زهرا، خیابان انقلاب و جلوی دانشگاه تهران وخیابان کارگر شمالی و جلوی درب اصلی کوی دانشگاه اعلام شده است. دعوت کنندگان به این تجمع در حال آماده سازی مردم برای حضور گسترده در این تجمع هستند اطلاعات برگزاری این تجمع در حال حاضر از طریق اماس های چهره به چهره در مکان های عمومی صورت می گیرد.

راهپیمایی در مشهد علیرغم سرکوب وحشیانه برگزار شد

روز گذشته طبق قرار قبلی مردم مشهد در پارک ملت تجمع کردند و تصمیم داشتند به طرف حرم امام رضا راهپیمایی کنند. مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی در وحشت از تظاهرات مردم که هر لحظه بر تعداد جمعیت در پارک افزوده می شد، مانع حرکت آنها شده و آنها را با ضرب و شتم متفرق کردند.

شعار نویسی علیه خامنه ای در تهران

بر روی دیوار بزرگی در خیابان زعفرانیه رو بروی مجموعه تماشاگر، با خط درشت نوشته بودند مرگ بر خامنه ای هم چنین در بزرگراه موسوم به چمران، نرسیده به پل مدیریت بر روی یک پلاکارد بزرگ که عکس خامنه ای بود، رنگ مشککی پاشیده بودند، که توسط مزدوران رژیم به سرعت جمع آوری شد. در تهران هم چنین ایست و بازرسیهای مزدوران بسیج به خصوص در منطقه يك افزایش یافته و از ساعت 23 به بعد بدون هیچ بهانه یی شروع به بازرسی خودروها می کنند

سفیر بلغارستان فهمید و آنان نفهمیدند

رانچوف- سفیر بلغارستان در عراق: آنچه که در ایران می گذرد، از اهمیت فوق العاده ای در مورد وضعیت کنونی و آینده عراق برخوردار است. تنها آن کس که در مورد ایران هیچ آگاهی ندارد ممکن است چنین تصور کند که تظاهراتی در چنین ابعادی که اینطور سازمان یافته می باشد، می تواند از بیرون تحریک شده باشد. ممکن است حمایتهایی از بیرون وجود داشته باشد اما هیچ گاه نمی تواند به چنین ابعادی، به تلاشهای سیستماتیک و سازمانیافته برسد. ایرانیان مردمی هستند با اندیشه، با فرهنگ و مستقل. ایران یکی از بزرگترین کشورها در جهان است. جایگاه آنها در تاریخ جهان هم، متفاوت است. اگر من بخواهم نظر خود را در مورد آنچه که اکنون در ایران می گذرد به طور مختصر بیان کنم، می گویم، ایرانیها در پی انقلابی که 30 سال پیش از سوی پدران جوانهای امروز حمایت می شد، هستند. آنها در فکر آنچه که انجام داده اند هستند. آنها یی که تظاهرات می کنند، می گویند: «به! این زندگی نیست که ما خواهانش باشیم، ما خواهان نوع دیگری از دولت و جامعه و نقشی دیگر برای کشورمان در جهان هستیم». من فکر می کنم که این پیام، اصلی ترین موضوعی است که می توان از آنچه در ایران در جریان است، برداشت نمود.

اخبار کوتاه

تایمز لندن: خشم مردم ایران رادیکالیزه خواهد شد

تایمز لندن نوشت: تحلیلگران معتقدند که در ایران، خشم افزایش خواهد یافت. این خشم می‌تواند در مسابقه‌های فوتبال، نماز جماعت یا هر جایی که تعداد زیادی از مردم جمع می‌شود منفجر شود. آنها می‌گویند مخالفان و معترضان مخفی خواهند شد و تظاهرات‌های برق آسا برگزار خواهند کرد. آنها همچنین انتظار دارند که برخی عناصر شروع به حمله‌های خشونت‌آمیز بر مراکز و ارگان‌های دولتی بکنند.

راه بندی های اعتراضی

روند اعتراضی مردم ایران نسبت به نتیجه‌ی انتخابات در روزهای اخیر به اشکال مختلف در حال پیگیری است. در حالی که با شدت گرفتن سرکوب مردم از سوی نیروهای انتظامی و نظامی تجمعات خیابانی در حال حاضر تنها در برخی محلات در حال پیگیری است، مردم تهران در اقدامی نمادین با آوردن ماشین‌های خود به خیابان و ایجاد راه‌بندان‌های سیاسی اعتراض خود را به گوش حکام ایرانی و مردم جهان می‌رسانند. شیوه‌ی راه‌بندان سیاسی تقریباً بعد از سرکوب شدید مردم از سوی نیروهای رژیم هر روز و هر رشب در خیابان‌های تهران پیگیری می‌شود. بیشتر خیابان‌های مرکزی شهر به دلیلی این ترافیک‌ها و راه‌بندان‌های سیاسی برای ساعت‌ها قفل و امکان هرگونه حرکتی گرفته می‌شود. با ایجاد راه‌بندان‌های سیاسی امکان واکنش از نیروهای نظامی و انتظامی سرکوبگر نیز گرفته می‌شود. تصویر ضمیمه از خیابان‌های آزادی، انقلاب و بزرگراه یادگار امام است که راه‌بندان‌های شبانه (۱۳ تیرماه) را به تصویر می‌کشد.

اعتصاب کارگران هفت تپه در اعتراض به کار در شرایط بد آب و هوایی

صبح روز جاری یکشنبه مورخ ۱۴ تیر ماه کارگران کارخانه کشت و صنعت هفت تپه دست به اعتصاب زدند. کارگران معترض با جمع‌خبرگزاری هرانا: صبح روز جاری یکشنبه مورخ ۱۴ تیر ماه کارگران کارخانه کشت و صنعت هفت تپه دست به اعتصاب زدند. کارگران معترض با جمع‌شدن در این کارخانه خواستار تعطیل شدن کار تا زمان مساعد شدن آب و هوای منطقه شدند که با حضور نیافتن هیچکدام از مسولین معترضین، درب دفتر مدیر کارخانه تجمع کردند. در مذاکره نماینده کارگران با مدیر کارخانه وی با اشاره به اینکه خود وی هم ناچار به حضور در سر کار است افزود لازمه تعطیل شدن کارخانه دریافت دستور از مراجع بالا تر است اما نامی از مرجع و یا مراجع بالاتر نبرد. کارگران معترض بعد از تجمع ۳ ساعته به سر کار خود بازگشتند و کارخانه به روال عادی خود بازگشت.

از صبح امروز گرد و غبار تمامی خوزستان و شهرستان‌های اطراف همچون شیراز، کرمانشاه، کهگیلویه و بویر احمد را در بر گرفته است که میزان غلظت آن به بیش از ۱۵ درصد از حد مجاز رسیده و شاع دید را به کمتر از ۶۰ متر رسانده است.

زخمی شدن ۸ تن در اعتصاب کارگران شبستر

روز شنبه ۱۳ تیرماه ۸۸، با گذشت ۱۷ روز از اعتصاب کارگران کوره‌های آجرپزی شهرستان شبستر هنوز کارگران، جواب قانع‌کننده‌ای از اداره کار و مراجع بالا دریافت نکرده‌اند. از دو روز قبل تاکنون، مردم اجازه نداده‌اند که ماشینی وارد کوره‌پزخانه شده و یا آجر حمل و نقل گردد. مردم با تجمع در مقابل اتحادیه آجرپزی خواستار افزایش قیمت‌ها شدند که در نتیجه درگیری‌هایی میان آنان و نیروی انتظامی روی داد. در درگیری بین مردم و نیروی انتظامی در این کارگاه، ۸ تن از کارگران زخمی شدند.

انفجار لوله گاز در ایرانخودرو و زخمی شدن دهها کارگر

روز جمعه ۱۳ تیر در حالیکه شرکت ایرانخودرو تعطیل بود در اثر انفجار لوله گاز در کارخانه شمالی دهها نفر از کارگران به شدت زخمی شده و حال یکی از آنها وخیم گزارش شده است.

شدت انفجار که ناشی از ترکیدن لوله گاز در اثر جوشکاری اتفاق افتاده به حدی بوده که باعث خرابی بخشی از رستوران شرکت گردیده است طبق گزارش همکاران و شاهدان عینی شرکت پیمانکاری برای اینکه بتوانند از حداکثر سود برای سرمایه خود اضافه کنند کارگران روز مزد را اجیر کرده و روز جمعه بدون بیمه و با مزد اندک به کار می‌گیرند و کار دور از چشم مامورین ایمنی شرکت که روز تعطیلی بوده انجام می‌گیرد. ما جمعی از کارگران ایرانخودرو ضمن اعلام همدردی با حادثه دیدگان انفجار خواستار رسیدگی فوری به این حادثه می‌باشیم.

برگزاری یک راهپیمایی مسالمت‌آمیز در تهران

بنا به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر، دیروز جمعه ۱۲ تیرماه در خیابان آزادی محدوده خیابان آزادی بلوار اشرافی اصفهانی/ از خیابان گلاب تا میدان آزادی / از خیابان اسکندریه تا میدان آزادی جمعیت ۵۰ هزار نفری از ساعت ۱۶۳۰ الی ۱۹۳۰ راهپیمایی ساکت انجام دادند. جمعیت زیاد به هم پیوسته نبود. نیروی انتظامی و ... به جمعیت تذکر میدادند که نباید جمع شوید. هیچ کس موبایل بلند نکرده بود. چون اگر موردی دیده میشد بلافاصله دستگیر میکردند. جمعیت قبل از تارکی متفرق شدند. مردم در این تجمع به هم میگفتند: "الان که خیلی سرکوب کردند به این شکل ادامه می‌دهیم نباید متوقف کرد. نباید آتش قیام را بگذاریم که خاموش بشود"

رنگ پاشی به بیلبردهای خامنه‌ای در کرج

طی روزهای گذشته در بسیاری از نقاط شهر کرج بیلبردهایی که از طرف "سازمان تبلیغات اسلامی" با عکس‌های و برخی جملات وی در زمینه با انتخابات در نقاط مختلف شهر کرج نصب شده بود. به وسیله‌ی مردم معترض با رنگ سبز مخدوش شده‌اند.

جوانان و مردم معترض کرج در یک حرکت ابتکاری عکس‌های خامنه‌ای را با اسپری و رنگ سبز مخدوش کرده‌اند. بیلبردهای منقش به عکس خامنه‌ای در میدان آزادگان، چهار راه طالقانی، بلوار مطهری، پارک نبوت، فلکه اول گوهر دشت، ایستگاه مترو مهرشهر، میدان دانشگاه حصارک، میان جاده و چند نقطه دیگر از شهر کرج به وسیله رنگ سبز مخدوش شده است.

ماموران حکومتی بعد از مشاهده مخدوش شدن عکس رهبرشان سریعاً اقدام به جمع‌آوری لاین بیلبردها از سطح شهر کردند.

اعتراض و تهدید به ترک کار کامیون داران ابرانشهری

عده‌ی کثیری از کامیون داران ابرانشهری با تجمع در مقابل اتحادیه صنف مربوطه و با پرکردن طوماری که در آن به نقد سیاست‌های اتحادیه مربوطه پرداخته بودند خواستار حل مشکل خود شدند.

آنها در نامه خود به ۷ بند اشاره کردند که در آن تنها چیزی که به چشم می‌خورد بی‌کفایتی و سودجویی مسئولان در این زمینه می‌باشد. همچنین آنها با تهدید به ترک کار و اعتصاب در صورت عدم رسیدگی به معضل به وجود آمده خواستار رسیدگی فوری به خواسته‌هایشان شدند. معضل سهمیه سوخت و دست‌بردن مسئولان محلی در حواله‌های تحویلی به رانندگان، عدم وجود فرد پاسخگو در شهرستان مذکور، از مشکلات مطرح شده بوده است.

علیرغم تهدیدهای حکومتی مجالس یادبود جانباختگان برگزار شد

امروز شنبه ۱۳ تیرماه مراسم کبانوش آسا در منزل پدری اش در کرمانشاه برگزار شد. بیش از ۳ الی ۴ هزار نفر در این مراسم شرکت کردند. محل مراسم در خیابان مصطفی امامی کوچه پشت مجتمع اداری و تجاری غدیر در منزل پدرش بود که با استقبال زیادی روبرو شد تا حدی که در منزل دیگر جا نبود و نفرات مجبور بودند ۲ و ۳ دقیقه فاتحه بخوانند و بروند تا ازدیاد جمعیت نشود چون منزل فوق‌العاده کوچک بود نکته قابل توجه اینکه در اعلامیه تحریح کبانوش نوشته شده بود "شهید کبانوش آسا چیزی که بقیه خانواده‌ها از ترس و تهدیدات نظام معمولاً در اعلامیه درج نمی‌کنند."

با ارسال گزارش از محل اشتغال زندگی و مبارزات خود به غنای هر چه بیشتر این نشریه بیافزایید

اخبار کوتاه

لازم به ذکر است که دولت فشار فوق العاده زیادی روی خانواده شهید کیانوش وارد میکند.

بنابه خبر دریافتی مجلس هفتم "شهید غنیان" از شهدای کوی دانشگاه در مسجد نور برگزار شد که با حضور خانواده های بازداشت شدگان و برخی کشته شدگان جلوه خاصی پیدا کرده بود. محیط شدیداً امنیتی بود و امکان عکس و فیلم به هیچ وجه نبوده است. هیچ شعار و یا بیانیه ای اعلام نشد و فقط خانواده هایی برای دلگرمی خانواده شهید غنیان به محل آمده بودند.

همچنین پدر شهید غنیان در گفتگو با یکی از حضار بیانات نسبت داده شده به ایشان علیه موسوی را انکار نموده و ابراز داشته اند که "قاتلین پسر من معلومند چه کسانی هستند."

فراخوان مادران عزادار جانبازان راه آزادی

سوگواری خاموش و آرام مادران عزادار، عصر شنبه ششم تیرماه 88 در پارک لاله تهران، مناسبانه با هتک حرمت، ضرب و شتم و دستگیری تعدادی از مادران و زنان جوان توسط نیروهای انتظامی و نظامی روبرو شد.

به رغم مما نعت نیروهای پلیس از ورود زنان به پارک لاله و متفرق کردن افراد در پارک، بالغ بر 500 تن از مادران توانستند در گوشه و کنار پارک بنشینند و سوگواری فرزندانی شوند که در راهپیمایی های مسالمت آمیز و اعتراضی پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری شرکت کرده و شهید شده بودند.

پیرو فراخوان اولیه مادران عزادار ما تا پایان دادن به خشونت ها و آزادی کلیه زندانیانی که برای اعتراض به تقلب های انتخاباتی دستگیر شده اند به ویژه مادران دستگیر شده در پارک لاله و مجازات قاتلان فرزندان مان شنبه های هر هفته از ساعت 7 تا 8 بعدازظهر در پارک لاله و دیگر پارک ها به سوگ می نشینیم.

آدرس پارک ها:

پارک لاله - بلوار کشاورز، نبش کارگر

پارک اندیشه - شریعتی نرسیده به پل سیدخندان

پارک ملت - خیابان ولی عصر

پارک گفتگو- گیشا

مادران! حس مادری مان ما را به دادخواهی از خون فرزندانمان و خواست آزادی فرزندان دربندانمان واداشته است. از همه شما دعوت می کنیم با حضورتان در گوشه و کنار پارک های مذکور به این حرکت خودجوش مادرانه بپیوندد. اعتراض تان را نسبت به مسئولان یا سکوت؛ و همبستگی تان را با مادران عزادار و مردم حق طلب با آمدن تان نشان دهید.

برادران و پسران ما در نیروهای انتظامی و نظامی! ما مادران شما هستیم، با شما با احترام و مادرانه رفتار می کنیم، حرمت مادران را نگاه دارید و به مادران تان خشونت نکنید تا به آه مادران دردمند گرفتار نشوید.

وعده ما شنبه 13 تیرماه در پارک های لاله، اندیشه، ملت و گفتگو

مادران عزادار

اعتراضات شبانه مردم تهران به صورت گسترده ادامه دارد

مردم تهران امشب از ساعت 22:00 بر بام خانه های خود حاضر شدند و به اعتراضات شبانه خود ادامه دادند. آنها بصورت خانوادگی و همراه با کودکان خود بر بام منازل خود حاضر شدند و بصورت گسترده ندای الله اکبر و شعار مرگ بر دیکتاتور را سر دادند. ندای الله اکبر و شعار مرگ بر دیکتاتور که بصورت شبانه در همه محلات تهران سر داده می شود. اما شدت اعتراضات در مناطق جنوبی تهران بیشتر از جاهای دیگر می باشد. شعارها نیروهای سرکوبگر را هراسناک و کلافه کرده است و علیرغم بکار بردن همه شیوه های وحشیانه تا به حال موفق به خاموش کردن آن نشده اند. فرار بسیجیان در محمودآباد کرج:

در روز جمعه دوازدهم تیرماه، بسیجیانی که به مردم حمیه کرده و با مقاومت ایشان روبرو گشت [بودند، موتورهای خود را رها کرده و جمعی فرار را بر قرار ترجیح دادند.

حکایت از این قرار است که منطقه محمودآباد کرج از مناطق حاشیه ای شهر کرج است که مردم برای فرار از میالغ هنگفت عوارض و جرائم، بدون مجوز شهرداری اقدام به ساختمان خانه ها خود می کنند. در چنین محله هایی نواب شهرداری تا زمان حکم برخورد سازمان یافته، که به ندرت صادر می گردد، چشم های خود را بر روی این ساخت و سازهای غیرقانونی می بندند. در این هنگام است که پایگاه بسیجی ای که این محلات در حوزه ی آن قرار می گیرند، موقعیت کسب درآمد یافته و هر از چند گاه برای باجگیری از سازندگان بینوا، نیروهای خود را به چنین محلاتی اعزام می دارند.

این بار نیز قرعه به نام محمودآباد کرج افتاده بود. روز جمعه، دبروز، پس

از ساعات نماز جمعه، پایگاه بسیج، که اخیراً با تجهیزات جدید مسلح شده اند، همراه با چندین موتورسوار و دیگر تجهیزات وارد منطقه شده و مانند همیشه به ساختمان های نیمه کار رفته تا پس از تهدیدهای صوری، با گرفتن باج به پایگاه خود بازگردند.

اما اینبار در عوض پول با مردمی متحد روبرو گشتند که از باج دهی خودداری می کردند. فرماندهان بسیج نیز به عمله خود دستور تخریب دادند. اما مردم محل به متحداً به کمک همها خو آمدند و به ایشان حمله بردند. فرمانده بسیج که اوضاع را خطرناک تشخیص داده بود، دستور عقب نشینی و ترک محل را صادر کرد. نیروهایش هم که با مردم خشمگین رو در رو بودند، با پای پیاده به قصد فرار، شروع به دویدن کردند و موتورهای خود را جا گذاشتند. مردم نیز سرمست از پیروزی خود و پیش بینی بازگشت ایشان با نیروهای کمکی،

موتورهایشان را به خیابان ورودی محل برده و با آتش زدن شان سنگری ساخته و به انتظار نشستند. این انتظار تا امروز ادامه داشته و هنوز از حمله مجدد بسیج خبری نبوده است.

شعارنویسی بر روی دیوارهای تهران:

به دنبال سرکوب وحشیانه و به جان باختن معترضان و جوانان در تهران، این روزها شاهد افزایش اعتراضات به صورت شعار نویسی بر روی دیوارهای شهر تهران هستیم، شعار مرکزی بر روی دیوارها «مرگ بر دیکتاتور» است.

ادامه اعتصاب کارگران کوره های وایگان:

در حالی که بیش از 13 روز از اعتصاب 4000 کارگر کوره خانه های وایگان می گذرد، دهها تن از کارگران اعتصاب کننده در مقابل فرمانداری شبستر تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران در اعتراض خود خواهان افزایش مبلغ تولید هر آجر به میزان 12 تومان و پاسخ گویی مسئولان به سایر مطالبات خود شدند.

لازم به ذکر است در آخرین مجمع عمومی کارگران اعتصاب کننده مقرر گردید که با جلوگیری از خروج ماشین های باری از کارگاه ها، از فروش آجر ممانعت به عمل آورند.

هزاران نفر از مردم تهران با حضور در آرامگاه شهدای

اخیر آنجا را گل باران کردند:

بنابه گزارشات رسیده از بهشت زهراي تهران، امروز هزاران نفر از مردم تهران بر آرامگاه شهیدان راه آزادی حاضر شدند و ضمن ادای احترام آنجا را گل باران کردند. این مراسم لیرغم تهدید و اقدامات سرکوب کننده ماموران امنیتی تا ساعت 19:30 همچنان ادامه داشت.

بازداشت دانشجو بابلی: حوالی ساعت 13:00 امروز مامورین وزارت اطلاعات به سمت 2 دانشجوی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل یورش بردند و یکی از آنها را دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل کردند. دانشجویی که امروز دستگیر شد نیما نحوی نام دارد. او در روزهای اخیر بارها مورد یورش مامورین وزارت اطلاعات قرار گرفته بود. او در این یورشها که توسط مامورین وزارت اطلاعات صورت می گرفت دچار صدماتی شده بود ولی با حمایت سایر دانشجویان هر بار طرح دستگیری او خنثی میشد.

جان باختن راننده اتوبوس بوسیله گلوله مزدوران حکومتی

طی خبر رسیده از رانندگان شرکت واحد منطقه يك واقع در خیابان هنگام، روز چهارشنبه دهم تیر ماه ساعت 8 صبح یکی از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به نام حسین زاغی بر اثر اصابت گلوله به سرش در پارکینگ پارک سوار بیهقی که محل کار این راننده بود در داخل اتوبوس به شهادت میرسد.

وی از رانندگان منطقه يك شرکت واحد اتوبوس رانی تهران بوده است.

سرکوب اعتصاب بازاریان تبریز

بازاریان تبریز مجبور به بازکردن مغازه های خود شدند. خبرنگار

آژانس ایران خبر، گفت: بازار کفاشان و طلافروشان که در اعتراض به اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده از ظهر دیروز چهارشنبه بازار را تعطیل کرده بودند، مجبور به باز کردن مغازه ها شدند. بنا بر این گزارش، بازاریان تبریز دلیل اصلی پایان دادن به اعتصاب را تهدید مسئولین ذریع عنوان کردند. بر اساس این گزارش دیروز پس از تعطیلی بازار کفاشان و طلافروشان تبریز، جلسه ای در سازمان امور مالیاتی تشکیل شد که در نهایت پس از این جلسه عده ای از مقامات شهر وارد مذاکره با بازاریان شده و آنها را متقاعد به پایان دادن به اعتصاب کردند. این گزارش می افزاید: عده ی زیادی از بازاریان نیز اواخر شب گذشته از طرف افراد ناشناس به صورت تلفنی تهدید شدند که در صورت باز نکردن مغازه هایشان با آنان برخورد خواهد شد. گفتنی است از صبح امروز پنجشنبه بیشتر بازاریان با حضور در محل کسب خود به اعتصاب پایان دادند. همچنین تاکنون اطلاع دقیقی از مفاد مذاکرات مسئولین شهر در خصوص کنترل اعتصاب بازار واصل نشده است.

حمله نیروهای سرکوبگر به شهرک ولیعصر

بنا بر خبر دریافتی روز سه شنبه نهم تیرماه یگان ویژه ضد شورش به شهرک ولی عصر در غرب تهران یورش برده و باوحشیگری به دستگیری جوانان تحت عنوان ارادل و اوپاش پرداخته است . از تعداد بازداشتی ها هنوز اطلاعی در دست نیست.

قابل توجه جوانان مبارز قزوین: انتقال بسیج های قزون به تهران

بنا بر خبر دریافتی، چندین اتوبوس از نیروهای مزدور بسیج در قزوین برای سرکوب مردم تهران با اتوبوس گسیل شده اند و این امر بنا به دستور ولی فقیه نظام صورت گرفته است.

بخش شبنامه در بندر عباس

چند روز پس از سرکوب گسترده مردم و دانشجویان در بندرعباس مردم کم کم به فکر مبارزاتی افتاده اند که با هزینه های پایین تر مثمر ثمر باشد .

در حالی که هنوز تعدادی از بازداشتی های خیابان دانشگاه، آزاد نشده اند و دانشجویان آزاد شده دانشگاه هرمزگان نیز بشدت کتک خورده و آسیب دیده اندخبر های مختلفی از توزیع شبنامه در دانشگاه ها و بعضی نقاط شهر به گوش می رسد. به طور مشخص دانشجویان دانشگاه هرمزگان در خوابگاه ها و محوطه دانشگاه با این کاغذ های فتوکپی شده مواجه شده اند . یکی از ساکنان شهرک های اطراف بندرعباس هم اظهار داشته که دو روز متوالی صبح که از خانه خارج می شده است با این برگه ها که از لای در به خانه به داخل انداخته شده اند مواجه میگردد.

جا به جایی و استقرار نیروهای سرکوبگر

از ساعت 12 ظهر روز چهارشنبه 10 تیرماه نیروهای سپاه و بسیج از پادگان های مختلف نظامی و پایگاه های بسیج در سطح شهر تهران وحومه ی تهران به وسیله اتوبوس به سمت میادین وخیابان های مرکزی شهرمنتقل شدند، ترکیب نیروهای اعزامی از پادگان ها سربازان وکادر رسمی سپاه است .

میدان بهارستان، توپخانه وامام حسین مقصد اصلی این نیروها است. با این وجود بخشی از این نیروها برای پوشش مراکز و میدان های ونک وانقلاب نیز گسیل شده اند. اتوبوس های خاص انتقال بسیجیان و نیروهای سپاه از بین اتوبوس های قدیمی انتخاب شده اند تا در ظاهر سازی این اتوبوس ها را منتقل کننده ی کارمندان شرکت ها و برخی ادارات نشان دهند، زیرا بیشتر کارخانه ها و شرکت ها و ادارات دولتی بزرگ از اتوبوس های یاد شده برای انتقال کارمندان وکارگران خود استفاده می کنند .

از ساعت 2 بعد از ظهر روز چهارشنبه 10 تیرماه مطابق روال روزهای گذشته نیروهای انتظامی با نفرات گسترده در اطراف میدان های انقلاب و ولی عصر حضور یافته ورفت و آمد مردم را زیر نظر گرفته اند. از ساعت 2 بعد از ظهر به بعد بر ازدحام افراد در پیاده روهای خیابان انقلاب و ولیعصر به طرف این دو میدان اصلی شهر تهران افزوده و نیروهای انتظامی نیز برای مقابله با هر تجمع احتمالی به حالت آمده باش درآمدند. نیروهای امنیتی نیز دورتر از نیروهای انتظامی ودر گوشه وکنار خیابان انقلاب و ولیعصر در حال بررسی اوضاع می باشند. از ساعت 4 عصر به بعد استیشن های پلیس به ردیف در کنار میدان انقلاب توقف کرده و نیروهای بیشتری را به این محدوده وارد کردند. با توجه به شلوغی و ازدحام جمعیت در میدان انقلاب و ولی عصر هر آن احتمال تجمع از سوی مردم و بیان اعتراضات آنها می رود .

تنبیه فرمانده سپاه بوسیله مردم کرج

مردم شهر کرج در اقدامی به محمود دادگو، رییس شورای شهر کرج و از فرماندهان تندروی سپاه حمله کرده او را که در قتل ها و دستگیری های اخیر نقش موثری داشته است مورد ضرب و شتم قرار داده اند. محمود دادگو را در نزدیکی منزلش در کرج به ضرب چوب مورد هدف قرار دادند. دادگو که هم اکنون رییس شورای شهر کرج است، و در شهادت هموطنان و دستگیری های گسترده چند روز گذشته نقش مستقیم داشته است هم اکنون در کما بسر می برد.

تجمعات همچنان ادامه دارد

تجمع مردم در شش میدان تجریش، ونک، صادقیه، بهارستان، ولیعصر و انقلاب از ساعت 6 بعد از ظهر تا کنون در جریان است. نیروهای سرکوبگر هنوز به گاز اشک آور متوسل نشده اند. اما با حمله های ناگهانی به گوشه هایی از جماعت سعی در متفرق ساختن شان را دارند.

صدای اعتراضات گسترده مردم تهران بر بام خانه های خود

بنابه گزارشات رسیده از مناطق مختلف تهران ، مردم تهران امشب همانند شبهای گذشته بر بام منازل خود حاضر شدند و نداها را اعتراض گسترده خود را سر دادند.

از هر کوچه وخیابان و محله صدای فریاد های اعتراض مردم نسبت به شبهای گذشته رساتر و گسترده به گوش میرسد. ندای بانک اعتراض الله و اکبر و شعار مرگ بر دیکتاتور و در مواردی زیادی شعار مرگ بر خامنه ای سکوت شبهای تاریک و ظلمانی استبداد را در هم می درید و فضای رعب و وحشت بر قلب سپاه سرکوبگران حاکم وارد می کرد. مردم تهران امشب از ساعت 22:00 تا حوالی 23:00 بصورت گسترده بر بام خانهای خود قرار گرفتند و همه با هم ندای الله اکبر سر دادند آنها همچنین شعارهای مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای سر دادند. فریادها از تمامی نقاط تهران شنیده می شد.

گزارشات و تحلیل ها

پیشنهادی به مبارزین راه آزادی

دوستان مبارز، مدتی را بصورت متمرکز در تجمعات ده ها و صدها هزار نفره علیه نیروهای مسلح دولت کودتا و مرتجعین وابسته به آن مبارزه کردیم. الان دیگر متوجه شده ایم که اهداف ما در عرض یکی دو ماه برآورده نخواهد شد و لزوماً استفاده از یک تاکتیک یکنواخت و قابل پیش بینی، پاسخگوی نیازهای ما نخواهد بود. الان می دانیم که تنها نیستیم و اکثریت مردم ما هم هدفند، اما هنوز به قدرت خودشان و مجموعه مردم اعتماد ندارند. بخصوص کارگران و کارمندان که با یک اعتصاب سراسری، و حتی محدود به صنایع استراتژیک، مانند نفت و گاز و برق و مخابرات و فلزات و حمل و نقل و ... می توانند دولت کودتا را فلج کرده و وادار به کناره گیری اش کنند، به علت فضای امنیتی و پادگانی محل کارشان در این مراکز متشکل نمی باشند و هنوز به یکدیگر اعتماد لازم را ندارند. اما با مشاهده ی پیگیری این مبارزات و پیروزی های مقطعی روز به روز بر تردید خود غلبه کرده و به صف مبارزه خواهند پیوست. هم اکنون می بینیم که در چند کارخانه، از جمله کارگران مبارز نیشکر هفت تپه، اعتصابات آغاز گشته و در میان مدت همه گیر خواهد شد. همانطور که شاهدیم بصورت روزمره بر شمار شعاردهندگان شبانه اضافه می شود. پس لازمست در زمانیکه دستگاه های دروغ پراکنی حکومتی، از جمله روزنامه ها و صدا و سیما، خبرها و گزارشات مبارزات مردمی را سانسور کرده و سعی در ضعیف نشان دادن جنبش ما دارند، ما، از طریق اطلاع رسانی و تبلیغات مبارزات مردمی به این پروسه ی اعتماد سازی مردم باری رسانده و در کنار تحرکات تظاهراتی سراسری به آگاهی رسانی نیز توجه کنیم. بهترین شکل پیشبرد چنین مبارزه ای همواره از طریق گروه های چند نفره ی محلی صورت می پذیرفته است. اما، این شکل از فعالیت نیز بدون حساب نبوده و ساز و کار و شیوه های مخصوص به خود را دارد:

اول اینکه، نباید بلافاصله دست خود را رو کنیم. چرا که در هر محله ای، بغیر از نیروهای انتظامی و بسیج، انسان های ضعیف النفسی نیز پیدا می شوند که در مقابل منفعت مادی و یا حتی خود شیرینی نقش خبرچین را بازی می کنند. بنا بر این بهتر است تا زمانیکه تمامی ایشان شناخته نشده اند، فعالیت های چنین گروه هایی در ملاء عام نباشد و از تاریکی شب بهترین استفاده را ببرند. حتی در آن زمان نیز باید دقت داشت که صورتمان قابل شناسایی نباشد و از پوشاکی که در طی روز استفاده می کنیم، برای انجام دادن فعالیت های شبانه مان نهوشیم. دوم اینکه، بهترین وسیله ی اطلاع رسانی «شبنامه» و «اطلاعیه» است. که خوشبختانه این روزها می توان در اینترنت به متون متنوعی دست یافت و توسط یک چاپگر (پرینتر) شخصی تکثیر و سپس توزیع کرد. راه دیگر و مکمل شبنامه، شعار نویسی روی دیوار و بانه های تلفن و ... است. هنگام شعار نویسی روی دیوار دقت کنید که دو نفر را در دو انتهای کوچه بعنوان دیده بان مستقر سازید. هر وقت از یکطرف مورد تهدید قرار گرفتید، از طرف دیگر فرار کرده و از محله خارج شوید. تا جائیکه مقدور است به منازل خود پناه نبرید. مگر آنکه مطمئن هستید که دیده نمی شوید. همچنین ابزارهای «تابلو» را در منازل خود نگاه ندارید. مثل اسپری رنگ و شابلون و لباس های رنگی شده و شبنامه ها و ... در محلی که با دقت بر می گزینید «جا سازی» کنید.

سوم اینکه از مبارزات خود و اتفاقاتی که در محل تان می افتد که ممکن است به درد بقیه ی گروه ها بخورد و یا روحیه مردمی را بالا ببرد به خبرنگارهایی چون ما گزارش دهید تا از تجربیات موفق و ناموفق شما، دیگران نیز بهره مند شوند.

و آخر اینکه در اینترنت مطالب و متون زیادی چگونگی پیشبرد مبارزاتی از این گونه وجود دارد. آنها را پیدا کرده و با دقت بخوانید.

پیروزی با ماست

مرگ بر دیکتاتور

مرگ بر جمهوری اسلامی

ما با خشونت مخالفیم اما مقاومت می کنیم

اعتراضات وسیع این چند هفته نکات مهم بسیاری را با خود به همراه داشت. یکی از مهم ترین نکاتی که به وضوح در این چند روز خصوصاً در روز 30 خرداد و درگیری های بعد از آن قابل مشاهده بود، خشونت بی حد و حصر نیرو های سرکوب گر حکومت کودتاچی جمهوری اسلامی بود. این نیرو ها از هر رده و در هر لباسی از نیرو های پلیس معمولی نیروی انتظامی گرفته تا گارد های ضد شورش، از بسیجی های لباس شخصی گرفته تا پاسداران یونیفورم پوش سپاه پاسداران جمهوری اسلامی. به وحشیانه ترین شکل ممکن با استفاده از تمامی ابزار های سرکوب گرایانه به سرکوب اعتراضات آرام و مدنی مردم پرداختند.

این نکته به وضوح مشخص بود برخلاف تبلیغات کودکانه و بعضاً خنده دار رسانه های حکومتی این سرکوب گران بودند که خشونت بر ضد مردم را آغاز کردند. آنان بودند که با ابزار های مختلف مردمی که صرفاً به آرامی و حتی در روز های بسیاری بدون سردادن شعار به خیابان ها آمده بودند را سرکوب کردند. در این بین برخورد مردم با این سرکوب ها دارای درس های آموزنده ی بسیاری است. در روز 25 خرداد که جمعیت میلیونی به خیابان ها ریخت. خود نگارنده در میدان انقلاب شاهد آن بود در ابتدای ورود جمعت نیرو های سرکوب گر سعی در پراکنده کردن مردم داشتند اما وقتی با سیل عظیم جمعیت مواجه شدند، فرار را بر قرار ترجیح دادند. سوار بر خودرو های خود شدند و از خیابان های فرعی سرریا محل را ترک کردند. به شکلی که بعد از تقاطع نواب تا خود میدان آزادی هیچ اثری از هیچ گونه پلیس و نیروی نظامی و شبه نظامی دیده نمی شد. حتی نیروی های بسیجی مزدور پایگاه معروف مقداد نیز در درون پایگاه خود در پناه دیوار ها و میله های آهنی و چندین ردیف خودروی نظامی پنهان شده بودند.

اما در روز های بعدی که تعداد مردم به رقم میلیونی نمی رسید این سرکوبگران بودند که به مردم هجوم می آوردند. مشاهدات عینی من نشان می داد در جا هایی که مردم واکنش مناسب نشان نمی دادند و سکوت می کردند، سرکوبگران هار تر می شدند و مردم را بیشتر مورد ضرب و شتم و بازداشت قرار می دادند. اما در جاهایی که مردم نیز به صورت طبیعی با استفاده از حق انسانی "دفاع از خود" با سنگ و چوب و آتش به مقابله با این سرکوب گران می پرداختند. این نیرو های تا بن دندان مسلح در مقابل مردم خشمگین سرریا عقب نشینی می کردند. خصوصاً نیرو های وحشی لباس شخصی بیش از دیگران از خشم مردم در هراس بودند و سرریا فرار می کردند.

در این جا تاکید می کنم ما با هر گونه اعمال خشونت حکومتی مخالفیم. اصلاً این جنبش برای پایان دادن به خشونت سیستماتیک حکومت کودتاچی جمهوری اسلامی برپا شده است. اما از حق طبیعی "دفاع از خود" استفاده می کند. اگر بار دیگر روزی فرا رسد که با سیل جمعیت میلیونی بتوانیم این ارادل و اوباش و سگ های هار مدافع ولایت فقیه و سپاه را جارو کنیم که چه بهتر!

اما هر روزی که بخواهیم در گروه های ده ها نفره و صد ها نفره و هزاران نفره در خیابان از حق طبیعی و انسانی اعتراض کردن خود استفاده کنیم قطعاً نباید یک لحظه در مقابل خشونت این پاسداران ولایت دچار تردید شویم که آیا فرار کنیم و یا سکوت کنیم و یا از خود دفاع کنیم؟ قطعاً از این به بعد ما از خود دفاع خواهیم کرد و البته دفاع خود را محدود به آن لحظه نخواهیم کرد. باید به این مزدوران هشدار دهیم که سزای اعمال ننگین شان را در روز های آتی در محل زندگی و کارشان مردم به آنان نشان خواهند داد.

گزارشات و تحلیل ها

دو مطلب از «قصه حاشیه ها»

این یک ماجرای واقعی است

همه چیز به پایتخت ختم نمی شود. این را آن شبی فهمیدم که در منتهی الیه غربی میدان آزادی میان دود و آتش و فوج فوج مردم به سمت غرب می خزیدیم و از همان کنار جاده به هر سواره ای می گفتیم مستقیم! یکی دو تا نبودیم. همه می رفتند مستقیم و آن میان شارلاتانهای پیدا می شدند که برای مستقیم پانصد متری، پنج هزاری شرط می گذاشتند. دوتا هزاری بیشتر نداشتیم. آن شب شانسمان گل کرد که اتوبوس آمد. آنقدر جمعیت داشت که از درهای باز هم آدم آویزان بود. پریدیم بالا. یکی دستم را گرفت و کشید وسط اتوبوس. یکی داد زد: بلند شید بلند شید این خانم سرپاست. یکی هم مردانگی کرد و بلند شد.

گریه ام گرفته بود از آن همه حس هول و شوق و دلپستگی به بغل دستی. باورم نمی شد آن همه جوان از محل ما به بیست سی کیلومتر آن طرف تر آمده بودند. توی اتوبوس هم شعار می دادیم. همانی که برایم بلند شد رادیو را گیراند. خبر ساعت 9 را می خواند. رادیو را گذاشت کنار گوشم و خودش هم سرش را جلو آورد. آن یکی که دستم را گرفت و بالا کشید، پرسید: آجی. چی می گه؟ گفتم می گه: آقای موسوی شما از جنس این اغتشاش گرها نیستید. گفت: گه خورده. حرورم زاده ی... شرمش آمد ادامه دهد. هرچه باشد من و یکی دوتای دیگر خانم جمع بودیم.

همه چیز به مرکز ختم نمی شود. آن ور ماجرا را هم دیدم. زنگ زدم مادر سبحان و سجاد و وسط احوال پرسیدم به کی رای دادی؟ مکت کرد و گفت: شما به کی رای می دادم، خوشحال می شدی؟ رفتم گوت داغی و ماهیانه اش را برایش بردم. به همانی رای داده بود که حدس می زدم. محله شان هم شده بود جوانها و پابه سن ها. گاریچی سبزی فروش گفت هرچی بی غیرته به موسوی رای داده. به پسرم گفتم آگه می خوای زنت لخت بره تو خیابون برو به این مردکه بده! گوت داغی با خانه های خیریه و زنهای بی سرپرست و کوچه های مرحمتی کمیته امداد که حتی اسمشان هم صدقه سری است، آزادی مازادی سرش نمی شود.

امروز هم یکی از کارگرهای اخراجی کارخانه را دیدیم. ممد آقای گل گلاب که آسه می رفت و آسه می آمد و خوب کار می کرد. اما قرادادش که سر رسید با تپیا انداختنش بیرون. چشمه اش می سوخت. پرسیدیم چرا؟ گفت از تظاهرات. البته نه این که این طرف کنار ما باشد. نه! همراه صاحب خانه اش رفته بود بسیج محل و به قول خودش کلی علی الحساب گرفته بود که مردم را بزند و کت بسته ببرد. کل این علی الحساب کارگر اخراجی سابق هم شده بود پانصد هزار.

خلاصه ماجراهای از این دست بسیار است. واقعی واقعی

بنگاه خیریه ماموت و اعانه ای که به دست مبارک اداره کار کرج، زندگی کارگران را زیر و رو می کند

وقتی ماموت وزنه را بلعید و کارگرانش را با سالی چهار ماه باز خرید کرد، از آن دویست و چهل نفر کارگر تنها پنج نفر به اداره کار شکایت بردند. سالی چهارماه در این زمانه حق کنشی حق کارگر رقیمی رویایی به نظر می رسید. متوسط سهم هر نفر پانزده میلیون شد. بعضی پول پیش خانه اش کردند و عده ای هم يك مسافركش صفر به علاوه پر کردن چاله های قرض اطرافشان. وقتی ماموت وزنه را می بلعید، نماینده کارگران هم در آن اداره کار قلابی، کارگران را تشویق به گرفتن این رقم رویایی می کرد.

کدوم سهامداری به خیرخواهی آقای فردوس پیدا می شود؟ آقای فردوس سهامدار نمونه بخش خصوصی، امپراطوری ماموت را می گرداند. کارگران را زن صیغه ای می خواند و کل اداره کار را با ده کیلو برنج پاکستانی و گوشت یخ زده برزیلی و ده تا صابون گنار می خرد و آزاد می کند. آقای فردوس آنقدر وزنه اش سنگین هست که از آن پنج نفر معترض دو نفر سر شکایتشان باقی بمانند. مبارزه با ماموت و ماموت بانس يك مارتن فرسایشی است. يك بار دنبال شکایت و شکایت کنشی، دو هفته منتظر ماندن تا تعیین تاریخ برگزاری هیات تشخیص و يك ماه بعد هم دادگاهی راه می افتد که قاضی اش حکم اش بر زبان نیامده، نگفته خواندنی است! بیچارگی ما را ببین که برای گرفتن همین کتبی شده این حکم شفاهی، باید بدوی. هر دوشنبه هر هفته باید زنگ بزنی و مطمئن شوی که قاضی از تعطیلات برگشته، نماینده کارفرما حاضر است و نماینده کارگران قدم رنجه نموده که پای حکم محکومیت تو را امضا کنند.

اعتراض به این حکم هم ما را می کشاند به دو ماه دیگر. این بار زندگی مان دست هیات حل اختلاف است. تا چه شود و مگر سنگ نیم من به سه من برابر شود و حکم قبلی باطل. که اگر نشود کارمان می رود به یکسال دیگر و حکم دیوان. آن روز که اخ و تفشان می کردم که چرا برای چهارماه از حق شکایتشان گذشتند، این جا را نخوانده بودم. یکی مستاجر است که خوشبختانه ما نیستیم. یکی دو سه تا بچه دارد که ما از شانس خوبمان نداریم. یکی هم امید که برگشت به کار ندارد. کدام کارگری با ماهی سیصد و پنجاه هزار تومان، پس انداز دارد که به داد روزگار بیکاری اش برسد؟ انصافاً وقتی برای این جور شکایتها، یکسالی باید بدوی که آخرش احتمال آمدن شیر و خط، به شیر بچربد و از همان سالی چهار ماه رویایی وابمانی، می روی دنبال شکایت و شکایت کنشی؟

به روز کردن شورش یونان*

گفتگوی نیکوس راپتیس و کریس اسپانوس
ترجمه از سههد شایان

یادداشت مترجم: برای نشان دادن اهمیت اعتراضات جوانان یونان بیش از آن که لازم باشد محتوای اتفاقات را تشریح کنیم شاید اشاره به سانسور شدید رسانه ای اش کافیتست. ترس از فراگیر شدن شورش ها و تسری آن به سایر کشورهای اروپا و جهان به وضوح در رفتار رسانه ای همه ی کشورها بازتاب داشت است. حتی رسانه های ترکیه که همواره مشتری ثابت کوچکترین اتفاقات یونان هستند نیز شورش های جوانان را بایکوت کردند. در زمانه ای که سرمایه داری متاخر یکسره همه ی جهان را در چنگال خود گرفته و در زمانه ای که احزاب کمونیست و سوسیالیست جزئی از منطق درونی و البته مزین کننده ی ویتربین پارلماناریسم سرمایه داری اند، شورش هایی همچون آنچه که در یونان در حال جریان است به واقع از همان استثناهایی هستند که در پیچه هایی به سوی مبارزه ی نوین را می گشایند که نه در عرصه ی انتزاع و نه در آن به اصطلاح «انقلاب جهانی در آینده» که همینجا و الان و در خیابان بر علیه سیستم می جنگند. اینکه تا چه حد حوادث یونان به کلیت چپ هم در مقیاس جهانی و هم منطقه ای اش کمک می کند و یا اینکه اساسا چگونه می توان ارتباط منطقی بین آنها برقرار کرد بحثی باز است. اما آنچه بسیار ضروری به نظر می رسد این است که چپ می بایست حوادث یونان را بسیار جدی بگیرد (که متاسفانه به جز یکی دو مورد در ایران چندان به آن پرداخت نشده است و جالب اینکه حتی پوشش خبری مناسبی هم از طرف سایت های چپ گرا نداشته است). این ترجمه و چند ترجمه ی پیشین تلاشی است اندک در این زمینه به این امید که اهمیت مسئله بر سایر دوستان نیز روشن گردد.(س.ش)

اوجگیری قیام و خروش اعتراضی در یونان - به دنبال قتل الکساندر گریگوروپولس، نوجوان پانزده ساله ای که روز 6 دسامبر به دست پلیس کشته شد - به نقطه ی انفجار رسید. سه هفته ی گذشته شاهد تنش و درگیری های شبانه روزی میان نیروهای حکومتی و قیام کنندگان یونانی بودیم. عرصه عمومی خیابان ها و هر کوی و برزن صحنه ی اعتراضات، تظاهرات، سنگربندی ها و شورش ها بوده است. ایستگاههای تلویزیونی، دانشگاه ها، مدارس عالی، دبیرستان ها، کارگاه ها و شهرداری ها و مهمتر از همه صدها انستیتو تسخیر شده اند.

شبهه ی گذشته روز جهانی همبستگی با قیام یونان بود. کارگران، دانشجویان و دانش آموزان تظاهر کننده قصد دارند از اوایل سال جدید به اقدامات خود تداوم ببخشند.

نیکوس راپتیس ساکن آتن، یکی از همکاران با سابق «زدنت» و نامزد بازی در فیلمی از گوستا گواراسو از دست اندرکاران فیلم Z-فیلمی در باره ی مقاومت و سرکوب در یونان پس از جنگ - گفتگویی با کریس اسپانوس در رابطه با پیش زمینه ها و وضعیت فعلی انقلاب انجام داده است. تاریخ انجام مصاحبه روزهای بین 17-23 دسامبر بوده است.

توده ی یونانی

کریس: قبل از هر چیز با توجه به وقایع سه هفته ی گذشته، می توانی چشم اندازی از آینده ی انقلاب با مروری بر وقایع هفته ی قبل در اختیار ما قرار بدهی؟ روحیه ی معترضین و بطور کلی جامعه در چه وضعی است؟

نیکوس: کریس، اجازه بده قبل از ادامه ی مصاحبه کمی از حال و روز خودم (و هرکس دیگری مثل من) که این روزها خبرها را دنبال می کند بگویم. امروز صبح 18 دسامبر این مطالب را در روزنامه ها خواندم:

اول: در نیویورک تایم به تاریخ 17 دسامبر می خوانیم: «در سحرگاه قبل از طلوع آفتاب، در بخش بوشویک بروکلین، خوزه و برادرش رومل (مهاجرین اکوادری) در راه رفتن به خانه شان از سوی عده ای به طن گیری بودن - دو برادر دست در شانه ی هم داشتند - مورد حمله سه سرنشین یک خودروی گذری واقع شدند که با فحش و ناسزا و فریادهای ضد گی و ضد لاتین آنها را با چوب بیس بال مورد ضرب و شتم قرار دادند. رومل موفق به فرار از دست آنها شد اما خوزه به ضرب چوب و بطری تا بیهووشی کتک خورد و روز بعد، قبل از رسیدن مادرش از اکوادری، مرد.»

دوم: در روزنامه های امروز یونان می خوانیم: الکسیس گریگوروپولس، نوجوان 15 ساله ی یونانی، روز 6 دسامبر بدست پلیسی از یونان به قتل رسید. دیروز، 12 روز بعد از قتل الکسیس، حوالی ساعت 11 صبح، جمعی متشکل از حدود 10 جوان دبیرستانی در یک فضای باز عمومی در پریستری (بخش کاملاً فقیر نشین آتن) جمع شده بودند و در باره ی برنامه ی تظاهرات روز بعد تصمیم گیری می کردند. گلوله ای از آن حوالی شلیک می شود که به کف دست یک پسر بچه 17 ساله اصابت می کند. امروز صبح بچه مورد عمل جراحی قرار می گیرد و گلوله ی رولور کالیبر 38 از دستش خارج می شود. بنا به گفته ی بچه ها ده دقیقه بعد مجدداً گلوله ای از آن حوالی به سویشان شلیک می شود.

دولت به مدت 14 ساعت مسئله را مورد پیگرد قرار داد و با سرهم بندی کردن مسئله، والدین بچه های معترض را با اعلام اینکه شلیک گلوله از سوی یکی از همسایگان دیوانه انجام گرفته، از واقعیت امر دور نگه داشت. تصور من این است که شلیک گلوله از سوی یکی از افراد نتوانی انجام گرفته و دولت از این گونه آدمها برای انجام کارهای کثیف استفاده می کند. البته باید تاکید کنم که این تنها حدس و تصور شخصی من است.

سوم: باز هم از مطبوعات یونان: پلیسی که الکسیس 15 ساله را به قتل رسانده و پلیس همدست وی از ترس حمله ی سایر زندانیان به آنها در زندان اصلی آتن زندانی نشده اند، بلکه در زندان کوچکی دورتر از آتن زندانی شده اند. هر دوی آنها را در یک سلول نگهداری می کنند. دیشب بعد از نصف شب پلیس قاتل به همدست اش حمله می کند و با شیطان خواندن وی خواستار اعتراف در نزد کشیش می شود. احساس عمومی این است که این کارها «نمایشی» برای جلب ترحم عامه ی مردم نسبت به عمل حیوانی ی آن جانی است. ضمناً احتمال دارد پلیسی که از سلاح اش استفاده نکرده خواسته لب به سخن بگشاید و حقایق بیشتری را فاش کند.

حالا ممکن است یکی بیاید و ادعا کند که از این نوع جنایتکاران در هر جامعه ای یافت می شود. این درست، اما سوال اساسی اینجاست که این جنایان آشغال چرا باید از حس حمایت پلیس و قانون و دادگاه در یک جامعه ی مبتنی بر نظم و قانون برخوردار باشند؟ این اغراق نیست! هر ناظر بی طرفی که اتفاقات جامعه ی ما را بررسی کند به همین نتیجه می رسد.

حالا برمی گردم به سوال تو:

اتفاقات

وقایعی را که چند لحظه قبل در باره ی یونان گفتم باید شما را در جریان تصویر کلی آنچه تا چهارشنبه 17 دسامبر اتفاق افتاده، قرار داده باشد. مردم عادی زخمی شدن نوجوان را در پریستری خیلی جدی گرفته اند. همه مطمئنند کسی که شلیک کرده حتماً به قصد کشت تیراندازی کرده است. یک شاهد عینی هست که هنوز رسماً اخذ شهادت نشده است. او می گوید که تیراندازان لباس شخصی بوده و از یک سیتروئن سفید اقدام به شلیک کرده اند. خودرو آتن رادیویی بزرگی داشته و بعد از شلیک به سرعت برق از صحنه ی حادثه دور شده است. تنها پلیس از این نوع ماشینها و آتن ها استفاده می کند. طبیعتاً این حادثه خشم مردم خصوصاً نوجوانان انقلابی را صد چندان کرده است. ضمناً بعد از حادثه ی تیراندازی، پدر و مادرها می کوشند نوجوانان شان را از رفتن به خیابان ها برحذر دارند. باوجود این نام پریستری- محل وقوع حادثه - در میان انقلابیون از اعتبار ویژه ای برخوردار شده است. همین چندی پیش اعتراضی مسالمت آمیز اما کاملاً گسترده و مردمی در محکومیت تیراندازی در پریستری انجام گرفت.

همچون روزهای آغازین قیام، از 17 دسامبر تا امروز (22 دسامبر) تظاهرات- اینبار بدون حمله به بانکها و آتش زدن اماکن و ادارات و ... در منطقه مرکزی آتن و سایر شهرها ادامه یافته و از حدود 17 دسامبر فعالیتها کاملاً با اهداف تعیین شده و مشخص و بطور کلی دورتر از مرکز آتن انجام گرفته است.

کریس: اهداف چه بودند و اهمیت آنها در چیست؟

نیکوس: انتخاب اهداف کاملا نشانگر ماهیت قیام و از اهمیت بسیار زیاد سیاسی- اجتماعی برخوردار است. اهداف عبارتند از:

قرارگاههای پلیس ضدشورش

آکادمی پلیس در فیلادلفیا، در منطقه شمال آتن

انستیتیوی فرانسه، جایی که جوانان یونانی زبان فرانسه را به عنوان زبان دوم و یا سوم یاد می گیرند. تحلیل من این است که این هدف را به دلیل «فونم» سارکوزی برگزیده اند.

ساختمانهای دولتی که اطلاعات مربوط به افرادی که با بازپرداخت بدهی ها و مالیات و ... مشکل دارند در آنها نگهداری می شود، بشدت محافظت می شود.

اشغال فدراسیون کارگران یونان توسط کارگران، سندیکایی که در 1947 با مساعدت آمریکایی ها شکل گرفته است.

اشغال دفاتر کوگیاس، وکیل «مشهوری» که دفاع از پلیس قاتل الکسیس نوجوان را بعهده گرفته است. دو حمله به کوگیاس در شهر پاتراس و ممانعت پلیس از «ادب» کردن وی توسط نوجوانان خشمگین.

حمله بر علیه واحد پلیس که از مجموعه ی ساختمانی دادگاه در آتن محافظت می کند، حمله به تئاتر ملی و متوقف کردن نمایش،

کنتک زند شهردار (مادام العمر) دست راستی سالونیکا، مدیرکل سابق و قهرمان دو و میدانی، با شکلات، بن بن و حبه های قند از سوی کودکان. واکنش تند و لفظی شهردار «با فرهنگ» در مقابل کودکانی که به او شیرینی «تعارف» کرده بودند. شهردار کودکان را «مطرودین اجتماعی» خطاب کرد و ناظرین صحنه به حمایت و تایید کودکان پرداختند.

یکی از مهمترین فعالیتهای نوجوانان و جوانان یونان در روزهای اخیر «خلق» حماسه درخت کریسمس در میدان قانون اساسی در مرکز آتن می باشد. قضیه از این قرار است که مقدمه قانون اساسی ایالات متحده با این عبارت شروع می شود: «ما مردم». ماده سوم قانون اساسی یونان اینگونه می گوید: «مذهب رسمی یونان، مذهب کلیسای مسیحی شرق ارتدوکس است. کلیسای ارتدوکس یونان که سرورمان عیسی مسیح ریاست آن را بعهده دارد...» و غیره. تعجبی ندارد که شهردار آتن خواه سوسیالیست خواه راستگرا همه ساله باشکوه ترین درخت پلاستیکی کریسمس در کل اروپا را در میدان میدان اصلی شهر برپا می کند. همچنانکه اکثر مردم جهان در صفحه تلویزیونهای خود شاهد بودند نوجوانان یونانی درخت عظیم کریسمس [a.k.a. Tannenbaum] را در نخستین گام قیام به آتش کشیدند. شهردار راستگرای آتن، نیکیتاس کاکلامانیس که همزمان مدیر عامل شرکتهای معظم است، با اشتیاقی دیوانه وار اقدام به برپایی درخت با شکوهتر از درخت سوخته قبلی در زمان مقرر نمود. جالب اینجاست که چند روز قبل پزشکان و پرستاران بیمارستان با حرکتی نمادین به خیابان آمده بودند و با اقدام به پاک کردن شیشه خودروهای عبوری از رانندگان آنها طلب کمک جهت خرید گاز پانسمن برای اتاق عمل می کردند. زیرا به علت کمبود منابع مالی بیمارستان حتی یک عدد گاز پانسمن نداشت. در دولت راستگرای قبلی کاکلامانیس وزیر بهداشت و درمان بود.

روز یکشنبه 20 دسامبر گروهی از دختران و پسران مدرسه عالی هنرهای زیبا (هم سطح دانشگاه) به مغازه های فروش گوشت در مرکز آتن رفتند و از آنها خواستند گوشتهای بدور ریختنی و پس مانده را به آنها «هدا» کنند. مغازه داران بیش از حد شوق و شور از خود نشان دادند و حتی کله نیم پخته خوک را به آنها بخشیدند. نگاه دختران و پسران با کیسه های پلاستیکی مملو از آت و آشغال به پای درخت کریسمس در میدان مرکزی شهر رفتند و شروع به تزیین درخت کریسمس با آشغال ها کردند. مردم معمولی که شاهد صحنه بودند بشدت دانشجویان را تشویق می کردند تا اینکه پلیس ضدشورش وارد صحنه شد و ماشینهای آتش نشانی از راه رسیدند و به ضرب و شتم دانشجویان پرداختند و از آن پس پلیس قهرمان با تجهیزات کامل به نهبانی از درخت ارتدوکس کریسمس می پردازد. حماسه ی شادی بخش درخت کریسمس با عمل وحشیانه ای که تنها از پلیس می تواند سربزند همراه شد. چند بلوک آنطرف تر از میدان مرکزی و محل قرار گرفتن درخت کریسمس سربازانی که لباس شخصی به همراه دوست دخترش مورد حمله ی پلیس واقع می شود و بشدت مورد ضرب و شتم قرار می گیرد، یکی از شاهدان عینی که خود وکیل است به عمل پلیس اعتراض می کند و متقابلا با واکنش تند و خشونت آمیز پلیس روبرو می شود. هم اینک سرباز مورد بحث دستگیر شده و با اتهام بسیار سنگینی روبروست. قرار است به اتهامات وی در دادگاه نظامی رسیدگی شود. این هم یکی دیگر از نمونه های وحشی گری پلیس است.

در خصوص آینده ی قابل پیش بینی، بنظر می رسد «قیام» اخیر نوجوانان یونان مثل قیام جوانان در می 1968 پایان نخواهد یافت. یکی از دلایلی که این نظر مرا تایید می کند انتشار و حمایت جهانی از قیام جوانان و نوجوانان یونان است. به نظر من بچه ها در پیگیری اهداف قیام خود بسیار جدی هستند. البته کاملا نمی توان به این تحلیل مطمئن بود. مسئله ی بسیار مهم تظاهرات سراسری 9 ژانویه به یاد بود قتل نیکوس تمپونراس، معلم جوان ریاضیات دبیرستانی در شهر پاتراس در سال 1991 بدست رهبر حزب راستگرای «جوانان دمکراسی نوین» است که هم اینک حزب دولت یونان می باشد. مرگ الکسیس نوجوان باعث شده است تا بار دیگر این واقعه ی فراموش شده چون شبیحی سرگردان باز گردد تا انتقام جمجمه ی داغون شده بدست رهبر حزب دمکراسی نوین را باز پس ستانند. احساس من این است که نام تمپونراس، شهید پاتراس، با پیشرفت امور نقش مهمی در میان نوجوانان بازی خواهد کرد. 9 ژانویه 2009 روزی است که باید با دقت آن را دنبال کرد.

کریس اجازه بده بیشتر روی این موضوع تکیه کنم چون برای درک روحیه عمومی بسیار ضروری است.

همچنانکه در نظرات قبلی خود در Znet نوشته ام به نظر من در هر جامعه ای به دلایلی «عجیب و غریب» یک سوم جمعیت خود را «محافظه کار» یا «کریپتو فاشیست» حساب می کند. اینکه این جماعت (بعد از این آنها را یک سوم می نامم) مادرزادی محافظه کارند یا اینکه بعدا به این سلک در آمده اند اهمیت چندانی ندارد. طبیعتا این امر در مورد مردم یونان هم صادق است.

این یونانی های «محافظه کار» فکر می کنند پلیس جلادی که الکسیس را کشته، در برابر دهها نوجوان ولگرد از خودش دفاع می کرده و در کشتن وی محق بوده است. آنها همچنین فکر می کنند وکیل «مشهور» کوگیاس که در دادگاه گفته کشته شدن نوجوان خواست خدا بوده و دادگاه باید بصراحت بگوید که مرگ حق است یا نه، راست می گوید و محق است. می خواهم بگویم، کریس، این یک سوم جماعت ارتجاعی ریشه ی همه ی تبااهی ها در جهان هستند.

چاتریکاگیس وزیر عدالت در پارلمان یونان در سخنرانی خود گفته دولت بریتانیا چند سال پیش، نه تنها پلیسی را که در جریان تهدید قطارهای زیرزمینی لندن جوان برزلی را کشته بود بخشید بلکه او را به عضویت نیروی مخصوص در آورد، بنابراین دولت یونان هم بایدبقیه ماجرا!

در منطقه ی اسپارتای پلوپونسوس که منطقه ی بدنامی است که راست های افراطی در آن ساکن اند، جنبش جمع آوری پول برای خانواده ی پلیس قاتل شروع شده است.

گروهی از روشنفکران بیانیه ای را امضاء کرده اند که نظر نوام چامسکی را در باره ی آنها تایید می کند. لب مطلب بیانیه ی آنها این است که کار بچه ها درست نیست.

بدترین واکنش به قیام نوجوانان واکنش دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان (KKE) آلکا پاپاریگا است. این خانم اصرار داشته که علیرغم وسعت شرکت کنندگان اش این حرکت ها قیام مردمی نیست. به گفته ی آلکا انقلاب تنها زمانی رخ می دهد که کارگران تحت رهبری حزب کمونیست دست به قیام بزنند. ضمنا همین خانم بطور تلویحی گفته است که «اتحاد چپ رادیکال» [تشکیلاتی که با گرایش اوروکومونیستی قبلا از این حزب منشعب شده بود [آتش سوزی ها و ... را هدایت می کند. اتهامی که نه تنها نادرست بلکه نا جوانزانه است.

خطرناکترین گروه فعال در اتفاقات اخیر نونازی ها بودند. تظاهرات، آتش سوزی ها، غارت ها و ... فرصتی طلایی در اختیار آنها می گذارد تا داخل صف معترضین شده و نیت پلید خود را برآورده کنند. [هرچند که آنها سازمان نازی خود را «صبح طلایی» می نامند.] در نخستین روزهای قیام نونازیا در پاتراس فرصت یافتند تا وارد صف مغازه دارانی که می کوشیدند از مغازه های خود حفاظت کنند، شوند و بعد با تعقیب آنها به ربودن اموال شان دست زدند. آنها در چند مورد حتی زور وارد خانه های مردم شده اند. مردم نام اعمال آنها را "Kristallnacht" گذاشته اند. مشابه این اعمال در شهر شمالی

یونان، کموتینی، از نتونازیا سرزده است.

این اعمال در حالی از نتونازیا سرمی زند که در کنف حمایت کامل پلیس قرار دارند. به نظر می رسد در صفوف پلیس تعداد زیادی از وابستگان «صبح طلایی» وجوددارند. یکی از مهمترین وقایع روزهای اخیر فیلم ویدئویی است که نتونازیا (و یا پلیس های لباس شخصی) را با دیلم و اهرم در دست نشان می دهد که در میان صفوف پلیس قرار راه می روند و به غارت و شکستن شیشه های مغازه ها می پردازند؛ یکی از آنها حتی از... پتک استفاده می کنند.

به هر حال، آنچه اهمیت فوق العاده ای دارد این حقیقت است که نتونازیا که در میان همان یک سومی که قبلا گفتم قرار دارند با کسب حدود 3 تا 4 درصد از آرای رای دهندگان به مثابه ی حزبی قابل قبول به پارلمان یونان راه یافته اند. آنها اغلب در پارلمان با استفاده از زبان و مباحث حزب کمونیست می کوشند چهره ای پوپولیستی از خود به نمایش بگذارند. در هر صورت دیروز رهبر آنها که لقبی ترکی برای خود برگزیده «اراتزفریس» (روزنامه نگار و بوکسور امانور سابق) از پارلمان درخواست رای به «قانون ویژه» جدید کرد. سابقه «قانون ویژه» [در زبان یونانی "idionymo"] یکی از شریکترین صفحات تاریخ سیاسی یونان است. این قانونی است که در سال 1929 از سوی «پدر» مشهور ملت یونان، «دمکرات کبیر» الفتریوس ونیزلوس ابداع شد. کسی که اینک مجسمه های بیشمار مرمرین و برنزی اش در سراسر یونان برپا شده است. «قانون ویژه» جهت آغاز پیگرد وحشیانه ی کمونیستها و آناشیشیستهای یونانی اختراع شد. مبارزانی که قصد سقوط نظم مستقر در آن دوران را در سر می پروراندند. تصویب این قانون سرآغاز برنامه ای بود که خصوصا برعلیه کمونیستهای یونان طراحی شده بود. این برنامه شامل زندانی کردن، شکنجه و بعداز ونیزلوس اعدام هزاران تن بود که تا سال 1974 ادامه داشت. وقتی به ونیزلوس گفتند که فاشیستهای آن زمان قصد کسب قدرت را دارند، «قانون ویژه» را برچید تا مبادا فاشیستها هم مشمول این قانون شوند.

البته همه ای حرفها ی «کاراتزفریس»، نماینده نتونازیا در پارلمان، برای رد گم کنی است. خود وی بهتر از هر کس دیگری می داند اگر پرده ها کنار روند برای همگان مشخص خواهد شد که غارتها و آتش زدن کار عوامل پلیس و وابستگان «صبح طلایی» است. کریس، لازم است به موضوع مهمی راجع به حیات سیاسی در یونان اشاره کنم. تنها چند نفر هستند که مطبوعات و مجاری اخبار و اطلاعات در یونان دست آنهاست:

یکی از آنها مسیحی ارتدوکس بلند پایه ای در سالونیکا به نام آنتیموس است (من واقعا درجه روحانی او را نمی دانم ولی او را «سنت آنتیموس» صدا می کنند). سالهاست سخنرانی های ماوراء راست و جنگ طلبانه بسیار خطرناک ایراد می کند و آشکارا مقدونیه را تهدید به اشغال از سوی ارتش یونان کرده است. واقعا این آدم به پشتوانه ی ی که کسانی اینگونه بی محابا حرف می زند؟

بازهم در سالونیکا، راستگرایی متعصبی بنام سومیادیس که می توان او را دوقلوی آنتیموس روحانی به حساب آورد هر روز صبح زود در صفحه ی تلویزیون ظاهر می شود و به تبلیغات می پردازد. نقش او در این میان چیست؟

بالاخره می رسیم به تئودور پانگالوس مرد هفتاد ساله ی بسیار چاقی که شایع است یکبار در جلسه ی اتحادیه ی اروپا، گویا متوجه نبوده میکروفن روشن است ضمن جمله لفظی به انگلا مرکل فحش رکیکی او می دهد. پانگالوس نوه ی ژنرالی به همین نام است که در سال 1925 دیکتاتور یونان بوده است. پانگالوس ابتدا با ورود به صف چپگراها وارد سیاست شد و در دهه ی 60 خود را به میکیس تئودوراکیس - آهنگساز و چهره ی اسطوره ای چپ یونان - نزدیک کرد. با پیروزی سوسیالیستها در انتخابات به مدت دو دهه در پست وزارت - عموما در وزارت امور خارجه - در دولت سوسیالیستها انجام وظیفه کرد. «اوج» خدمات وی تحویل اوجالان در دوران وزارت امورخارجه در سال 1999 به دولت ترکیه است که تاکنون در زندان به سر می برد. چند روز پیش همین آدم با ولگرد و بی سروپا خواندن قیام کنندگان بشدت به «اتحاد چپ رادیکال» حمله کرد و آنها را مسئول غارت و آتش سوزیها معرفی نمود. این اتهامات چنان بی پایه و اساس هستند که آدم از خودش می پرسد واقعا در این نیم قرن او از چه آتشخوری می خورده که چنین بی محابا به لجن پراکنی مشغول می شود؟ واقعیت این است که 48 ساعت تمام همه ی تبلیغات روی کلمه ی اوباش و ولگرد بی سروپا متمرکز بود که این آدم به زبان آورده بود.

دو نفر دیگری که در این کاتگوری: «این آدمها چه نقشی در یونان دارند؟» می گنجد کوگیاس وکیل و کاراتزفریس رهبر راستهای افراطی پارلمان یونان هستند.

عامل مهم دیگری که در اعتراضات یونان اهمیت دارد، مهاجرین هستند. در آغاز مهاجرین مشارکتی در اعتراضات نداشتند. بعدتر اغلب غارتها کار آنها بود. و گاهی هم در اغتشاشات شرکت می کردند. البته این اعمال آنها دور از انتظار نیست. اکثر مهاجرینی که به هر دلیل پای شان به ادارات پلیس یونان باز شده بود آنها را با نفرت عمیق نسبت به هرچه رنگ و بوی یونانی داشت ترک کرده بودند. یکی از روشهای عادی پلیس شجاع یونان تجاوز و فروکردن دسته ی باتوم در ماتحت دستگیرشدگان است. سالها پیش مرد جوان آلبانیایی در برابر اصرار خبرنگاران بالاخره با شرم فراوان گفت که پلیس یونان کاری را با من کرد که مردان با زنان می کنند. همین مرد جوان بعد از حمله به اتوبوس جهانگردان یونانی در آلبانی بدست پلیس آلبانی به قتل رسید. یک مورد دیگر که اخیرا بصورت نوار ویدئویی فاش شده شکنجه یک فرد آلبانیایی بدست هموطن آلبانیایی اش در حضور مقامات ارشد پلیس جهت تفریح آنهاست.

کریس: خب در مورد دو سوم باقیمانده جمعیت چه فکر می کنی؟

نیکوس: برای نخستین بار مردم عادی یونان گلدانهای خود را از طبقات بالای ساختمانها بر سر پلیس پرتاب می کردند. برای نخستین بار همین مردم عادی از طبقات بالا با هر وسیله ی ممکن از وحشیگری های پلیس فیلمبرداری می کردند و با پخش آنها در منابع خبری بیرحمی پلیس را در معرض دید عموم قرار می دادند. فیلمی که قبلا راجع به حمل دیلم و پتک گفتم روی ویدئوی سیاه و سفید ضبط شده و معلوم است که سیستم فیلمبرداری یک دستگاه قدیمی بوده است. ضمنا فیلم مربوط به صحنه ی قتل الکسیس را خانمی با دوربین فیلمبرداری اش ضبط کرده که در آن دو پلیس قاتل خونسردانه صحنه ی قتل را ترک می کنند. این ها بخشی از اطلاعاتی هستند که قرار است در دادگاه از آنها استفاده شود.

بهترین تعریف از حال و هوای دو سومی که به آن اشاره کردی عبارت است از: «مشارکت کننده». در خصوص نوجوانان و جوانان دانش آموز حرف حساب آنها این است که «احترام» می خواهند. رقابت وحشیانه ی موجود در جامعه را قبول ندارند. آنها آموزش واقعی می خواهند نه اینکه مغزشان را با اطلاعات و معلومات پوچ پر کنند. ضمنا وقتی همین دانش آموزان و نوجوانان را می بینی که دارند آتش سوزی مغازه های ی کوچک را خاموش می کنند دلت از انسان دوستی آنها به شعف می آید در حالیکه تظاهر کنندگان با دیسپلین KKE بی تفاوتی از کنار آنها می گذرند. به نظر می رسد اینبار انسان در مبارزات آنها محور اساسی است.

کریس: موضوع بخصوصی در تاریخ، جامعه و یا روابط بین نسل های یونان است که به توضیح انقلاب کمک کند؟

نیکوس: این «ویژگی» خود یونان است که می تواند به این مبارزه یاری رساند. خانواده در یونان هنوز واحدی دردم تنیده است. نوجوانان کنونی دو نسل با نوجوانانی که تجربه ی اشغال نازی ها در سالهای 1941-1944 را دارند فاصله دارند. نوجوانانی که در آن سالها (1949) انقلاب خونین برعلیه انگلیس و آمریکا را براه انداختند. به همین دلیل در بسیاری از خانواده های یونانی بقایای آن تجارب با توجه به پیوندهای مستحکم خانوادگی، به نسل جدید منتقل می شود و به این ترتیب آنها می فهمند وضع از چه قرار است. این ادعای من با رفتارهای پخته و سنجیده ای که نسل جوان این روزها از خود بروز می دهد تایید می شود.

کریس: اگر ممکن است لطفا راجع به شرایط مادی قیام حرف بزن. شرایطی که نوجوانان، دانشجویان، کارگران، مهاجرین و... را به میدان آورده است. نیکوس: مهمترین جنبه ی شرایط مادی، بیکاری و دستمزدهایی است که به «نسل 700 یورویی» معادل 970 دلار آمریکا در هرماه مشهور شده است. مدارک دانشگاهی ارزش خود را از دست داده است. فرار سرمایه ها و شرکت های یونانی به کشورهای همسایه جهت استفاده از نیروی کار ارزان، شرایط نامتعادل استخدام و اخراج، قیمت های بالای کالاها در سوپرمارکت های یونان که به شکل باورنکردنی نسبت به سایر نقاط اروپا گرانتز هستند، دودوزه بازی های دولت با پول مالیات دهندگان و عدم شفافیت مالی، شرایط بسیار وخیم وضع بهداشت و خدمات درمانی، بهره های سرسام آور بانک های یونانی، و بالاخره اصرار بی منطق و سرسختانه ی الیت و دولتمردان یونان در جهت دنبال کردن سیاست های نولیبرال علیرغم شکست مفتضحانه ی آن در سراسر جهان از دیگر عوامل موثر مادی در قیام هستند.

دولت و شرایط حقوقی

کریس: سه شنبه (16 دسامبر) کارامانیس، نخست وزیر یونان، گفت: «بخشی از خطای» خود در رابطه با تیانی با یک کلیسا در تصاحب قطعات زمین با استفاده از اموال دولتی در شمال یونان را می پذیرد. آیا این عمل تأثیری بر اعتبار و صلاحیت کارامانیس و حزب دمکراسی نوین می گذارد؟ آیا بحران مشروعیت فراتر از سیاستمداران و احزابی که ارگان های دولتی را در اختیار دارند می رود یا صرفا دامان نهادهای سیاسی را می گیرد و در محدوده نهادهای دولتی باقی می ماند؟

نیکوس: کارامانیس با انتقادات و حملات تند و تیزی از همه سو مواجه شده است، غیر از همان یک سومی که گفتم. کسانی که سرمایه گذاری زیادی - هم مادی و هم غیر مادی- بر روی او انجام داده اند. اما همین آدم ها هم نظر خوشی به توانمندی مدیریتی وی ندارند. مفهوم این گفته این است که آنها از وی قطع امید کرده اند. این مسئله حتی در هیئت وزیران مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است.

تقریباً همه ی افتضاحات سیاسی در یونان در پشت پرده حل و فصل می شود. عامل اصلی در این عمارت بی شرمانه، علاوه بر سیاستمداران، قوه قضائیه ارتجاعی و تا بن استخوان فاسد است. قوه قضائیه را - مثل اکثر نهادهای یونان - در واقع سازمان سیا از سال 1947 به بعد «سرهم بندی» کرده است. و از آن پس هم تغییرات لازم طبق صلاح دید آنها انجام گرفته است. این واقعیت که قضات حامی دیکتاتورها هنوز دست بالا را در قوه قضائیه دارند موید این نظر است.

دو سوم مردم یونان همچنان که در بالا هم اشاره کردم از کم و کیف فضا یا باخبرند اما اغلب به دلایل اقتصادی در چنبره ی بازی های سیستم رای دهنی و رای گیری «سوسیالیستها» اسیر شده اند. باقیمانده ی افرادی که به چپ واقعی تمایل دارند به موضع عناد افتاده اند که ریشه در مسائل تاریخی دارد. یک راه برای برون رفت از این وضعیت به خود آمدن رهبری KKE (کمونیستهای «سنتی») و دست کشیدن از اشتباهات گذشته و اتخاذ سیاستهای مبتنی بر منافع طبقه کارگر و طبقات محروم که باعث پیوند چپ های صادق با بدنه ی حزب کمونیست می شود. همین امر در رابطه با بدنه ی سوسیالیستها هم صادق است.

شخصاً معتقدم که قیام نوجوانان در این پروسه نقش کاتالیزور بازی خواهد کرد. چون آنها با قیام خود حق اظهار نظر در خانواده و جامعه را پیدا کرده اند.

وضعیت حقوقی به مراحل زیر رسیده است: گلوله ای که الکسیس را به قتل رسانده در «دمکریوس» مرکز تحقیقاتی بسیار معتبر یونان، مورد آزمایش و بررسی قرار گرفته است. یافته ها حاکی از آن است که بر روی گلوله آثاری از «دی اکسید سیلیکون» دیده شده است. این موضوع می تواند به معنی این باشد که گلوله قبل از اصابت به الکسیس به مواد ساختمانی برخورد کرده است. اما همه ی شاهدین شهادت داده اند که شلیک افقی بوده است نه هوایی! این که شلیک مرگبار افقی بوده از سوی کارشناسان تکنیکی در محل تایید شده است. افکار عمومی بر این باور است که حتی اگر گلوله کمانه کرده باشد استفاده از اسلحه عملی جنایتکارانه بوده است.

کوگیاس وکیل مدافع جنایتکاران، تلاش می کند تا افکار عمومی یونان را تحریک و به انحراف بکشاند. اکثر مردم واقعا از دست او خشمگین اند. به نظر می رسد انگیزه های او نه یافتن حقیقت که مسائلی ناشناخته هستند.

و در خصوص پلیس های زندانی «نمایش» های آنها چه ساختگی باشد و چه واقعی تأثیری در رای افکار عمومی نخواهد داشت.

کریس: افسر پلیسی که با شلیک خود موجب مرگ گریگورپولس شده رسماً با اتهام جنایت روبروست. این مسئله چرا باعث بی علافگی مردم نسبت به دستگاه قضایی و پلیس شده؟ چگونه این مسئله با بدتر شدن اوضاع اقتصادی و نیاز به تغییرات اجتماعی عجین شده است؟ نیکوس: ناراضی مردم یونان از پلیس سابقه ای نیم قرن دارد. آنچه جدید است عکس العمل نوجوانان نسبت به این مسئله است.

در طی این اعتراضات، ناراضی مردم از پلیس نسبت به دهه های قبل که پلیس با اقدامات خود هر روز بدبختی و بلای جدیدی بر سر مردم نازل می کرد و جان مردم را می گرفت، چندان زیاد نیست.

کریس: پلیس یونان سابقه ی بیرحمی و جنایت را در پرورده ی خود دارد. آیا فکر نمی کنی دولت یونان از ترس تکرار اقدامات وحشیانه ی پلیس و ارتش، مردم را از قیام و انقلاب باز می دارد؟ تصور کن اگر قضیه ی حمله به پلی تکنیک آتن تکرار می شد چه پیش می آمد؟

نیکوس: دولت مردم را از قیام و انقلاب باز نمی دارد. این تبلیغات که پلیس روزهای اول قیام «بی دفاع» بوده و اقداماتش صرفاً دفاعی بوده، همه تبلیغات صرف است.

کریس: قیام تا کجا می تواند تداوم یابد؟ پاسخ نهادها و دستگاههای حکومتی یونان چه خواهد بود؟ فکر میکنی دلایلی در دست است که دولت در هراس از دست دادن کنترل خود بر اوضاع باشد؟ آیا نخبگان هم با قیام کنندگان هم نظرند و استراتژی واحدی با آنها دارند یا آنها افکار دیگری در سر می پروراند و وحدت استراتژی بین شان نیست؟

نیکوس: قیام می تواند بیشتر از این هم برود. عامل حیاتی در این زمینه چگونگی برخورد بدنه ی KKE و سوسیالیستهای PASOK است. دلیلی برای نگرانی در باره از هم پاشیدن شیرازه ی امور نیست. نخبگان یونان همواره علایق خود را با کاخ سفید تنظیم کرده اند. آنهایی که باید نگران باشند اعضای مستقر CIA در سفارت آمریکا در یونان هستند. بطور تاریخی چپ قدرتمند متحد یونان کابوس امپریالیسم آمریکا بوده است.

کریس: متشکرم نیکوس.

نیکس: ممنون.

✳ این گفتگو ترجمه ای ست از :

)By Nikos Raptis and Chris Spannos Update on the Greek Uprising) An interview...
http://www.zcommunications.org/znet/viewArticle/20039

کارگران مبارز! انقلابیون کمونیست!

برای هرچه غنی تر کردن محتوا و سراسری تر کردن پخش نشریه

با ما همکاری کنید

proletariat1871@gmail.com